امان

ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه

نشریه ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
بهمن ماه ۱۴۰۰ / شماره ۷۱

ویژه مهدویت و انقلاب اسلامی

امان

ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ویژه‌نامه دهه فجر ۱۴۰۰
نشریه الکترونیکی امان شماره ۷۱

صاحب امتیاز:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

سردبیر:

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا نصوری

دبیر علمی:

حجت‌الاسلام والمسلمین تقی حاتمی

گرافیک و صفحه‌آرایی:

زهره رجبی شیزری

همکار این شماره:

عباس شیشه‌گر

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

تهران، میدان فلسطین، ساختمان ستاد اقامه نماز، طبقه سوم
تلفن: ۰۲۱۸۶۰۳۵۶۸۳
۳۰۰۰۱۳۶۶ | سامانه پیامکی

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه .به ویژه نسل جوان با شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحکیم پایه‌های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری از سوی حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی در سال ۱۳۷۹ تأسیس گردید.

ابراهیم شفیعی سروستانی

زمینه سازی برای ظهور تکلیف شرعی است

سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی فرصت مناسبی برای بازخوانی یکی از مبانی مهم اعتقادی این انقلاب؛ یعنی تلاش برای زمینه سازی ظهور امام مهدی علیه‌السلام به عنوان وظیفه و تکلیفی شرعی در دوران غیبت است. با بزرگداشت یاد و نام امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و همه شهیدانی که به شوق یاری امام زمان علیه‌السلام رهرو راه آن امام شدند، به بررسی اجمالی نظریه لزوم زمینه سازی برای ظهور و برخی از مهم ترین مبانی آن می پردازیم. امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و برخی اندیشمندان معتقدند که زمینه سازی برای ظهور و فراهم آوردن شرایط تشکیل حکومت جهانی منجی موعود از وظایف انکارناپذیر منتظران است و مردم می توانند با اعمال شایسته خود ظهور امام مهدی علیه‌السلام را نزدیک تر کنند.

برای روشن تر شدن دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه دراین باره، به گزیده ای از رهنمودهای ایشان در سه بخش اشاره می کنیم. در بخش اول، دیدگاه امام راحل رحمه‌الله‌علیه را در زمینه وظایف منتظران در عصر غیبت و تکلیف آنها در زمینه فراهم کردن شرایط ظهور، در بخش دوم، دیدگاه ایشان را درباره نقش انقلاب اسلامی در زمینه سازی ظهور امام مهدی علیه‌السلام و در بخش سوم دیدگاه آن رهبر فرزانه را در زمینه ضرورت تشکیل حکومت جهانی اسلام به عنوان یکی از مهم ترین اهداف انقلاب اسلامی بررسی می کنیم و سپس مبانی نظریه لزوم زمینه سازی برای ظهور را از نظر خواهیم گذراند.

>>>> بخش اول

وظایف منتظران در عصر غیبت

امام خمینی رحمه‌الله‌علیه: همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود. (صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵)

ایشان در یکی دیگر از سخنان خود با نقد دیدگاه های موجود درباره انتظار، دیدگاه خود در این زمینه را این گونه بیان می کند: « البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم. اگر می توانستیم، می کردیم، اما چون نمی توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الان عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم، اما نمی توانیم بکنیم چون نمی توانیم، باید او بیاید تا بکند، ولی باید فراهم کنیم کار را فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت. (همان، ج ۲۰، ص ۱۹۸)

نقش انقلاب اسلامی در زمینه سازی برای ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

امام خمینی رحمه‌الله‌علیه می فرمایند: « امید است که این انقلاب جرقه و بارقه ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه الله. ارواحنا لمقدمه الفداء. منتهی شود. (همان، ج ۱۵، ص ۷۵)

حکومت جهانی اسلام، هدف اصلی انقلاب اسلامی

حضرت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در سراسر دوران مبارزه هرگز هدف خود را در از بین بردن استبداد داخلی و مبارزه با استعمار خارجی در کشور ایران محدود نکرده بود. ایشان در پی گسترش حاکمیت اسلام در سراسر جهان و کوتاه کردن دست ابرقدرت ها از همه کشورهای اسلامی بود، ایشان می فرماید:

« ... جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امید بخش آتیه ای روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک تر می نماید. گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان از پانزدهم خرداد ۴۲ که حکومت مستکبران جبار در این سرزمین به اوج خود رسیده بود و می رفت تا عربده شوم (انا ربکم الاعلی) از حلقوم فرعون زمان طنین افکند، تا ۲۲ بهمن ۵۷ که پایه حکم رانی جباران عصر در این مرز و بوم فرو ریخت و تخت و تاج دو هزار و پانصد ساله فرعون گونه ستم شاهی به دست توانای زاغه نشینان و ستمدیدگان تاریخ بر باد رفت و طومار تاراج گری ها و حکم فرمایی های

شیطان بزرگ و شیطانک های وابسته و پیوسته به آن درهم پیچیده شد، ایامی معدود بیش نبود، [...] ولی تحولی که کمتر از صد سال بعید به نظر می رسید با تقدیر خدای بزرگ در این ایام معدود و ساعات محدود تحقق یافت و جلوه ای از وعده قرآن کریم نورافشانی کرد و چه بسا که این تحول و دگرگونی، در مشرق زمین و سپس در مغرب و اقطار عالم تحقق یابد: (ولیس من الله بمستنکر) که دهر را در ساعتی بگنجاند و جهان را به مستضعفان، این وارثان ارض بسپارد و آفاق را به جلوه الهی ولی الله الاعظم، صاحب العصر ـ ارواحنا له الفداء ـ روشن فرماید و پرچم توحید و عدالتی الهی را در عالم بر فراز کاخ های سپید و سرخ مراکز ظلم و الحاد و شرک به اهتزاز درآورد. (و ما ذلک علی الله بعزیز)

>>>> بخش دوم

مبانی نظریه

ضرورت زمینه سازی برای ظهور امام مهدی علیه‌السلام بر مبانی متعددی استوار است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم.

نیاز همیشگی به حجت

امام محمد باقر علیه‌السلام در این باره می فرماید:

« به خدا سوگند، خداوند از روزی که آدم علیه‌السلام قبض [روح] شد، هیچ سرزمینی را از پیشوایی که [مردم] به وسیله او به سوی خدا هدایت می شوند، خالی نگذاشته است. این پیشوا، حجت خدا بر بندگانش است و هرگز زمین بدون امامی که حجت خدا بر بندگانش باشد، باقی نمی ماند.»

(الکافی، ج ۱، صص ۱۷۸ و ۱۷۹، ح۸)

حجت های الهی در اعتقاد شیعه والیان امر، راهنمایان به سوی خدا، جایگاه های علم الهی، مفسران وحی، پایه های توحید، مایه های ثبات و پایداری جهان، وسیله های نجات و رستگاری امت، معیارهای تشخیص حق و باطل، بیان کننده حلال و حرام الهی و... می باشند.

نقش مردم در غیبت و استمرار آن

یکی دیگر از مبانی نظریه لزوم زمینه سازی برای ظهور امام مهدی علیه‌السلام توجه به نقش مردم در غیبت و استمرار آن است. برای روشن شدن این نقش برخی از اموری را که در روایات از آنها به عنوان فلسفه غیبت یاد شده است، بررسی می کنیم:

الف. ستم پیشه بودن انسان ها

در روایتی که از امام علی علیه‌السلام نقل شده است: « بدانید که زمین از حجت خدا خالی نمی ماند، ولی گاهی خداوند به دلیل ستم و اسرافی که آفریدگان بر خودشان روا می دارند، حجتش را از آنها مخفی می دارد. (کتاب الغیبه (نعمانی)، ص ۱۴۱، ح۲)

می توان گفت چون میان قابلیت ها و شایستگی های ذاتی مردم برای پذیرش امام معصوم علیه‌السلام و میزان حضور امام در جامعه، ارتباط متقابلی وجود دارد، به هر اندازه که جامعه شایستگی خود را از دست دهد و از ارزش های الهی فاصله بگیرد، امام معصوم نیز که یکی از تجلیات رحمت الهی به شمار می آید، از جامعه فاصله می گیرد و از حضور خود در جامعه می کاهد؛ زیرا رحمت الهی در جایی فرود می آید که سزاوار رحمت باشد.

ب. نبود یاران وفادار برای امام

امام موسی کاظم علیه‌السلام خطاب به یکی از یاران خود می فرماید: « ای پسر بکیر! من به تو سخنی را می گویم که پدران من نیز پیش از من آن را بر زبان رانده اند و آن این است که اگر در میان شما به تعداد کسانی که در جنگ بدر [با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله] بودند، [یاران مخلص] وجود داشت، قیام کننده ما [اهل بیت] ظهور می کرد.» (مشکاه لانوار، ص ۷۰)

شیخ مفید(ره) می نویسد: « هر چند تعداد شیعیان در این زمان چندین برابر تعداد اهل بدر است و اگر به تعداد جماعت اهل بدر، اجتماع کنند، دیگر امام نمی تواند تقیه کند و ظهور بر او واجب می شود، ولی در این زمان هنوز این تعداد با ویژگی ها و صفاتی که در اهل بدر وجود داشت، محقق نشده است؛ زیرا لازم است که این جماعت در ویژگی هایی چون شجاعت، صبر بر مرگ، اخلاص در جهاد، ترجیح آخرت بر دنیا، پیراستگی باطنی از عیوب و سلامتی عقلی سرآمد باشند و در هنگام کارزار سستی و درنگ نورزند... و همه شیعیان این ویژگی ها را ندارند. اگر خداوند تعالی می دانست که در میان آنها این تعداد افراد با ویژگی های یادشده وجود دارد، قطعا امام علیه‌السلام ظهور می کرد و بعد از اجتماع این افراد به اندازه یک چشم برهم زدن هم غایب نمی شد، ولی روشن است که واقعیت این گونه نیست و از این رو، غیبت بر امام رواست»

(الرساله الثالثه فی الغیبه، ج ۷، صص ۱۱ و ۱۲)

ج. آماده نبودن جوامع بشری

امام عصر علیه‌السلام در یکی از توقیع های خود می نویسد:« اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، هم دل می شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تاخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت؛ دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما»(بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۷)

بر اساس مطالب یاد شده به صراحت می توان برای مردم در پیش افتادن ظهور و تحقق آن نقش قایل شد و گفت حضور مجدد امام معصوم علیه‌السلام در جامعه مشروط به آن است که انسان ها راه صلاح و رستگاری را در پیش گیرند؛ ستمی را که در حق امامان معصوم روا داشته اند جبران کنند؛ به وظایف و تکالیفی که دربرابر امام عصر علیه‌السلام دارند، عمل نمایند و با انجام اقدام های فرهنگی و اجتماعی زمینه را برای بازگشت امام به صحنه جامعه فراهم سازند.

وظایف منتظران

یکی از وظایفی که به تصریح روایات، در دوران غیبت بر عهده شیعیان و منتظران فرج قائم آل محمد علیه‌السلام است، کسب آمادگی های نظامی و فراهم کردن تسلیحات مناسب هر عصر برای یاری امام غایب است. در روایتی که نعمانی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده، آمده است:« هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف [سلاحی] آماده کند، هر چند یک تیر باشد. خدای تعالی هر گاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند و از یاران و همراهانش قرار گیرد»(کتاب الغیبه(نعمانی)، ص ۳۲۰، ح ۱۰)

در این عصر بر شیعیان لازم است که با فراگرفتن فنون رزمی و مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز، خود را برای مقابله با دشمنان قائم آل محمد علیه‌السلام آماده سازند.

امام خمینی(ره) با وسعت دیدی که داشت، (کسب آمادگی برای ظهور) را بسیار فراتر از آنچه گفته شد، مطرح می کرد و معتقد بود که باید از هم اکنون برای گسترش قدرت اسلام در جهان تلاش کنیم تا زمینه ظهور چنان که باید، فراهم شود؛ این امر، تکلیفی شرعی است.

معرفی کتاب

نخستین اجلاس ملی مهدویت و انقلاب اسلامی (مصاحبه‌ها، مقالات، سخنرانی‌ها)

نویسنده و ناشر:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

بخشی از موضوع کتاب:

یکی از مهم‌ترین عوامل انقلاب اسلامی ایران رهبری امام بود، این مرجعیت مورد پذیرش مردم بود، با بررسی اینکه مردم براساس چه معیاری مرجعیت خود را قبول داشتند به یک آموزه مهدوی؛ یعنی رجوع به یک عالم واجد شرایط خواهیم رسید. مهدویت و انقلاب اسلامی دو امر تفکیک ناپذیر است، امام راحل در اکثر سخنرانی‌های خود تاکید بر صدور انقلاب را داشتند که منظورشان مبارزه با ظلم در سراسر دنیا بود، زیرا مبارزه با کفر زمینه‌ساز ظهور خواهد بود، امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قرار است همه مردم دنیا را از کفر و ظلم نجات دهد و هدف ایشان فقط مسلمانان نیستند.

در سال ۱۳۹۷ بنیاد مهدویت با همکاری سایر دستگاه‌های کشور اجلاسیه را تحت عنوان «مهدویت و انقلاب اسلامی» برگزار کرد، براساس فراخوان مقالات زیادی به این ارسال شد که در نهایت بهترین سخنرانی‌ها و مقاله‌ها به صورت این کتاب گردآوری شد.

پشتوانه‌ی اسلامی و مهدوی انقلاب اسلامی ایران

در بیان دیگران

محمد شهبازیان

انقلاب اسلامی ایران، زمانی به پیروزی رسید که نیمی از جمعیت جهان، تحت سیطره جهان بینی حکومت‌های کمونیستی اداره می‌شد و نیم دیگر، تحت حاکمیت جهان بینی‌های اُمانیستی و سکولاریستی غربی قرارداشتند.

این انقلاب در دورانی به ثمر نشست که نگرش‌های دین‌ستیزانه و دین‌گریزانه، بخش اعظم کره زمین را فرا گرفته و انقلاب اسلامی ایران، قیام علیه این فرایند بود، به عبارتی می‌توان انقلاب اسلامی ایران را قیام دین و دین‌مداران علیه لامذهبی و ظلم و ستم بلوك شرق و غرب، قلمداد کرد.

آنتونی گیدنز جامعه شناس مشهور در مورد نقش شکل گیری انقلاب اسلامی می گوید:

«در گذشته سه غول فکری جامعه شناسی یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر با کم و بیش اختلافاتی فرآیند عمومی جهانی را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می دیدند، ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم، یعنی فرآیند عمومی جهان، روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می رود.» (جامعه شناسی، ص۷۵) بر اساس دیدگاه کسانی که دارای بینش الهی هستند و نقش ویژه‌ای در پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند، تلاش تمام انبیاء، اوصیاء و مجاهدان الهی، در طول هزاران سال، برای برقراری حکومت الهی و حاکمیت قانون عدل الهی در روی زمین، به وسیله این انقلاب به نتیجه رسید و همین امر، منشأ عظمت این انقلاب شد.

(انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، ص ۲۰)

اندیشمندان جهان اسلام و متفکران غربی در مورد ماهیت انقلاب اسلامی چنین می‌گویند:

«ایران نخستین انقلاب سیاسی ـ اسلامی موفق را به جهان عرضه کرد. انقلابی که با نام «اسلامی» و با «شعار «الله اکبر» برمبنای ایدئولوژی و نهادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیر روحانیت استوار بود».

(انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ص۴۹)

«برنارد لوئیس» که از اندیشمندان یهودی در آمریکا بوده و تأثیر اندیشه‌های او بر جامعه علمی آمریکا غیر قابل انکار می‌باشد، شاخصه انقلاب ایران را **دینی بودن** دانسته و تحولات ایران را ایدئولوژیکی بیان می‌کند. او می‌گوید: «در سال ۱۳۵۷، تحولاتی در ایران آغاز شد که تغییرات عمده‌ای را نه تنها در ساختار حکومت، بلکه در تمامی نهادهای اجتماعی آن کشور ایجاد نمود. پیامدهای انقلاب ایران، مرزهای کشور را درنوردید و به خارج از مرزهای ایران رسید. انقلاب‌ها خود را به شکل‌های مختلفی نشان می‌دهند. انقلاب ایران خود را در تعابیر اسلامی مطرح می‌کند. یعنی به عنوان نهضتی دینی، تحت رهبری دینی، عمل می‌نماید. نظم گذشته را با ادبیات دینی نقد می‌کند و طرح هایی را برای آینده و ایجاد نظم جدید ارائه می‌دهد.» (زبان سیاسی اسلام، ص۲۵)

«جیمز بیل» متفکر و محقق آمریکایی، در فصلنامه مسائل خارجی ـ نشریه وزارت خارجه آمریکا ـ امواج پویای انقلاب اسلامی ایران را چنین توصیف می‌کند: «موجی که از شناخت و بیداری، توده‌های جهان اسلام را فرا گرفته است، از یوگسلاوی و مراکش در غرب تا اندونزی و مالزی در شرق تداوم دارد. این موج، مولود انقلاب اسلامی ایران است».

(ایران و آمریکا، ص۳۲۳)

این گستردگی نهضت اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی ایران به حدّی روشن می باشد که حتی آبا ابن (AbbaEban)، سیاستمدار و اندیشمند مشهور اسرائیلی در نشریة «تایمز لندن» زبان به اعتراف می‌گشاید و می گوید: «انقلاب اسلامی و پیام‌های آن، کوته‌اندیشی نیست. کسانی که چشمان خود را به روی واقعیت‌ها بسته‌اند و حقایق را نادیده می گیرند، باید بدانند که انقلاب اسلامی، فصل جدیدی در تاریخ اندیشه‌هاست. من احساس می‌کنم که این اندیشه‌ها به‌ویژه در خاورمیانه شیوع یافته‌اند». (همان، ص۳۱۹)

ایدئولوژی ضد استعماری و دین‌مدار نهضت امام خمینی رحمه الله علیه باعث گردیده تا بلوك شرق و غرب، برای اولین بار در جنگ سرد، موضعی واحد اما خصمانه نسبت به انقلاب ایران اتخاذ کرده و آن را در قالب جنگ نظامی، تحریم‌ها و نبرد فرهنگی پیگیری نمایند.

«هسته اصلی برداشت‌های ایالات متحده از اسلام، هراس، حیرت و نگرانی عمیق درباره آمیزش دین و سیاست است. چنین به نظر می‌رسد که آمیزه‌ای از این دو برداشت، جنبه‌های اساسی سیاست لیبرال ایالت متحده را به چالش فرا می‌خواند». (آمریکا و اسلام سیاسی، ص ۲۸)

استقرار نظام دینی در ایران باعث گردید تا تمام معادلات غرب، جهت سلطه بر منابع عظیم خاورمیانه به هم بریزد. انقلاب اسلامی در ایران و از دست دادن یك هم‌پیمان مهم در منطقه [شاه]، دولت کارتر را بهت‌زده کرد و سقوط شاه، بنا به گفته «برژینسکی» مشاور امنیت ملی کارتر، به لحاظ راهبردی برای ایالات متحده و به لحاظ سیاسی برای شخص کارتر، فاجعه آمیز بود. (همان ص ۱۲۱) «نظریه پردازان غربی معتقدند که آرام ساختن طوفان اسلام، تنها در سایه استحاله جمهوری اسلامی ایران یا شکست انقلاب اسلامی میسر است»؛ (جهانی سازی انقلاب اسلامی، ص ۳۵۱) از این روی، در طول سه دهه‌ای که از گسترش نهضت‌های اسلامی می‌گذرد، صدها جلد کتاب و هزاران جزوه و مقاله درباره انقلاب اسلامی، اسلام‌گرایی و دنیای اسلام در اروپا و آمریکا منتشر شده است؛ که اکثر قریب به اتفاق آنها به انتقاد و بدگویی از جنبش‌های اسلامی، سرکوبی رهبران این نهضت‌ها و تحقیر قشرهای امت اسلامی .که جان و مال خود را فدای اهداف خود کرده‌اند .پرداخته است.

جالب است بدانیم که علی‌رغم تلاش دشمن و غرب سلطه‌جو، امروز به یاری امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، معادلات جهانی به نفع جمهوری اسلامی ایران رقم خورده و بنا بر اعتراف نشریه «لس آنجلس تایمز» خشم اعراب از آمریکا و اسرائیل باعث چرخش افکار عمومی، به نفع ایران در برابر آمریکا شده است. (کیهان، ص۵، ۷/۶/۸۹، ش۱۹۷۲۹)، «لس آنجلس تایمز» در تأیید مطلب خود به نظرسنجی «دانشگاه مریلند» و «مؤسسه زاگبی» اشاره کرده و می‌گوید: «بدبختانه ایران، ابرقدرت افکار عمومی جهان است». در اینجا بی مناسبت نیست که علاوه بر مطالب فوق به گفته‌های اندیشمندان و سیاستمداران جهان در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران اشاره کنیم:

اسقف کاپوچی. از علمای مسیحی فلسطین:

انقلاب ایران یك انقلاب بی نظیر است. پیروزی ایران بر بزرگ ترین قدرت های جهان به خاطر ایمان نیرومند مردم به خدا و رهبری امام خمینی رحمه الله بود. ما عرب ها باید از انقلاب اسلامی عبرت بگیریم.

مولانا بشیرالرحمن. از رهبران مسلمانان اهل سنت پاکستان:

هر روز که از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران می گذرد، مردم پاکستان علاقه بیشتری به آن پیدا کرده و شیفته این انقلاب می شوند. ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله جهت زنده کردن اسلام و پیاده نمودن احکام اسلام و رها شدن از یوغ امریکا انقلاب کرده است. ما امام خمینی رحمه الله رهبر انقلاب اسلامی ایران را دعا می کنیم، چون ایشان راهی را به مسلمین جهان نشان داد تا آن را پیموده و به هدف خود که نجات یافتن از زیر یوغ ابرقدرت هاست، برسند.

سیدمحمدحسین فضل الله. رهبر سابق شیعیان لبنان:

انقلاب اسلامی ایران صادق بوده و پیروزی آن خط جدیدی در حرکت سیاسی منطقه به وجود آورده است. این انقلاب به تمام مسلمانان و به تمام مستضعفین در سراسر دنیا تعلق دارد.

مارگارت تاچر. نخست وزیر سابق انگلیس:

ما غربی ها در دهه ۱۹۸۰ از وسایل جنگی و ابزار نظامی شوروی و اقمارش واهمه نداریم؛ زیرا اگر بلوك شرق و اعضای پیمان ورشو مجهز به سلاح های نظامی بوده و به ادوات مخرب و ویران گر مسلح باشند، ما نیز به سلاح های مدرن مسلح و مجهزیم، لیکن از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران می ترسیم.

برونوکراسیکی. صدراعظم سابق اتریش:

من از شخصیت های مذهبی و دینی نیستم. ولی می توانم این مسأله را بگویم که انقلابی که در ایران رخ داده است، موجب علاقه بیشتر به اسلام در خارج از جهان اسلام شده است و روشنفکران دنیا به دلیل علاقه ای که به اسلام پیدا کرده اند، توجه خود را به انقلاب اسلامی معطوف داشته اند می توان گفت این انقلاب در خارج از جهان اسلام، نفوذ فراوانی کرده است.

هنری کسینجر. وزیر اسبق امور خارجه آمریکا:

پیروزی ایران در جنگ، عقاید رادیکال اسلامی را، از جنوب شرقی آسیا، تا سواحل اقیانوس اطلس گسترش خواهد داد.

شیمون پرز. نخست وزیر سابق اسراییل:

انقلاب ایران، یك انقلاب بسیار افراطی و خصمانه در قبال اسرائیل است. تجربه آیت الله خمینی برای ما یك تجربه بسیار تلخ در قرن بیستم به شمار می رود. (انقلاب اسلامی در گستره نظام بین الملل. صص ۱۳ـ۲۳)

موشه دایان. وزیر خارجه وقت اسراییل:

حکومت جدید اسلامی، استراتژی واشنگتن را که به ایران به دیده یك رابط عمده در زنجیره ممالك طرفدار غرب مي نگریست، گسسته است. (حضرت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ص۲۷۹)

فیدل کاسترو. رهبر سابق انقلاب کوبا:

آن چه در ایران رخ داده است، یك انقلاب واقعی و مردمی بود. این انقلاب دارای نیروی عظیمی نیز هست و لازم است که ما همبستگی و حمایت خود را از آن اعلام کنیم.

حبیب شطی. دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی:

انقلاب ایران به همه نشان داد که اسلام چقدر قدرتمند است و این که ایمان می تواند به مسلمین کمك کند تا به حکومت دلخواه خود برسند. ما می خواهیم جامعه جدیدی بر مبنای اصول اسلامی بسازیم و امیدواریم انقلاب اسلامی ایران مدل و الگوی ما قرار گیرد.

عباس شیشه گر
فارغ التحصیل دوره تربیت مربی مهدویت

بررسی چگونگی ارتباط انقلاب اسلامی ایران با انقلاب اسلامی آخرالزمان

وقتی سخن از ارتباط چیزی با چیز دیگر می زنیم، در واقع پیش فرض ما وجود سنخیت و سازگاری بین آن دو چیز است که اگر هیچ گونه سنخیتی بین آن دو نباشد ارتباطی هم، بینشان نیست بنابراین برای کشف ارتباط بین انقلاب اسلامی ایران با ظهور حضرت حجت (عج) در آخرالزمان باید به بررسی ویژگی های این دو انقلاب بپردازیم.

انقلاب جهانی منجی آخرالزمان

الف. ویژگی های ظهور موعود

یک. طبق روایات اسلامی، ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از مسجد الحرام و در زمانه ای خواهد بود که ظلم و جور و فساد در سطح زمین گسترش یافته و بشر شاهد انواع بد اخلاقی ها و بد رفتاری ها است، فساد اخلاقی به جایی می رسد که تظاهر به گناه و ارتکاب علنی آن بی دغدغه انجام می گیرد ولی دعوت به اخلاق و عفت و حیاء جزء منکرات به حساب می آید و...(نگین آفرینش(۱)، صص:۱۸۲-۱۸۰)

دو. در چنان شرایطی که گوشه ای از آن بیان شد جامعه ی بشری به بن بست می رسد و خود را در گرداب ظلم و کشتار و فساد و تباهی می بیند(سوره روم آیه ۴۱)، آنجاست که هر کس بنا بر دین و آیین خود منجی موعودش را طلب می کند. (مسیح، سوشیانت، کَلکی، میتریه، ... و مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (ر.ک: منجی در ادیان)

سه. جهانی بودن دعوت حضرت، به گونه ای که همه مردم جهان مخاطب ایشان هستند و انتساب ایشان به خداوند و دعوت مردم به سوی خدای متعال و نه دعوت به سوی خود و نه هیچ معبود و قدرت دیگری. (نگین آفرینش(۱)،صص:۱۸۳-۱۸۲)

ب: ویژگی های حکومت موعود:

یک) دعوت همه مردم جهان به خدای یگانه و اجرای جهانی شریعت حقه ی اسلام

دو) مبارزه با بدعت ها و مذاهب و مسالک ساختگی

سه) اجرای عدالت در همه ابعاد آن و برای همه اهل زمین (عدالت فرهنگی، اقتصادی، قضایی و...)

چهار) گسترش اخلاق و معرفت در سطح جهان

پنج) رشد و شکوفایی علمی در همه عرصه ها

شش) اصلاح رابطه ی انسان با طبیعت که به سلامت انسان و عمران و آبادانی محیط زیست می انجامد(همان،صص:۲۱۷-۱۸۹)

هفت) قطعا چنین حرکت و حکومتی دشمنانی دارد به همین جهت علی رغم اقبال عمومی به حضرت، شیاطین جنی و انسی آرام ننشسته و مشکلاتی ایجاد می کنند که در نهایت به جنگ نهایی میان حق و باطل می انجامد. (دادگستر جهان، ص:۳۰۲)

* اصل وجود و حضور حجت خدا در بین مردم لازمه «هدایتگری الهی» است، نه ظهور! (فرقان / ۲۰)

* یکی از مهم ترین دلایل غیبت حضرت، عدم پذیرش عمومی بود که منجر به به خطر افتادن جان آن گرامی شد، لذا خداوند برای حفظ جان ایشان و نیز تأدیب و آزمایش مردم، تا آماده شدن شرایط پذیرش عمومی و جهانی نسبت به آن حضرت، غیبت ایشان را رقم زد.

* وظیفه ما در دوره غیبت " انتظار" است و طبق روایات و نیز حکم عقل سلیم، انتظار، سبب حرکت و تکاپو برای فراهم کردن اسباب و شرایط پذیرایی از مورد انتظار (منتَظَر) است.

*همانطور که گفته شد یکی از علل غیبت، عدم پذیرش عمومی و آماده نبودن زمینه ی حکومت ایشان بود؛ یعنی اگر زمینه فراهم بود چه بسا غیبتی رخ نمی داد! بنابراین می توان گفت تحقق ظهور بستگی به ایجاد شرایط مناسب دارد.

*منتظر واقعی کسی است که هر چه بیشتر و بهتر برای ایجاد شرایط آمدن موعودش تلاش کند؛ چراکه ایجاد این زمینه ها یعنی برطرف کردن موانع ظهور!

دنبالت میگردم از پس نشانه‌ها

انقلاب اسلامی ایران

ب. ویژگی‌های نهضت اسلامی مردم ایران

یک. آغاز حرکت از مساجد بود و رهبری حرکت را مرجعی بر عهده داشت که نایب عام امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در دوره غیبت و مدیری مدبر بود که فقط به خدا دعوت می کرد و نه به خود و حزب و...

دو. مردم ایران به بن بست نظام شاهنشاهی و روش ظالمانه و مفسدانه ی آن رسیده بودند، لذا اقبال عمومی موجب پیشرفت نهضت شد.

سه. تبعید ها و مصاحبه های امام خمینی(ره) و اینکه ایرانِ شاهنشاهی، مورد حمایت ابرقدرتها بود، بُعد جهانی به انقلاب ایران داد و توجه جهانیان را به ایدئولوژی این حرکت -اسلام شیعی- معطوف کرد.

چهار. دشمنانی که منافعشان را در خطر دیدند از همان ابتدا به مقابله با انقلاب و پیام آن -که سعی در استقرار حکومت برآمده از اسلام بود- برخاستند.

پنج. با وجود همه مشکلات و نواقص توانسته ایم گام های خوبی در جهت اشاعه معارف اسلامی در داخل و خارج از کشور برداریم و به پیشرفت هایی در سایر زمینه های علوم (پزشکی، انرژی هسته ای، نانو، هوا فضا و...) رسیده ایم(ر.ک: مقاله :"رتبه علمی ایران در 5 دانش روز دنیا" در سایت "الف" و نیز مقاله :"رتبه اول منطقه و ۱۶ جهان در تولید علم از آن ایران / روسیه و سوئیس بعد از ایران" در سایت دانشگاه تربیت مدرس)

شش. هر چند اصل حرکت انقلاب برای پیاده شدن اسلام بوده و هست ولی پرواضح است که این مهم -اجرای کامل معارف اسلام- جز به دستان با کفایت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف محقق نمی شود؛ چرا که این جایگاه، خاص معصوم است اما همانطور که گفته شد وظیفه منتِظر، ایجاد زمینه است و خاصیت انقلاب اسلامی ایران همین ایجاد زمینه ی داخلی و خارجی برای ظهور آن موعود امم بوده و هست و خرسندیم که الگوی انقلاب به سایر کشورها نیز سرایت کرده و آنان را نیز به انقلاب علیه ظلم و استبداد واداشته است.

زمینه سازان ظهور

همانطور که ملاحظه می فرمایید بین ظهور و حکومت حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و انقلاب اسلامی ایران مشترکات قابل تأملی وجود دارد، که انسان را به وجود رابطه ای بین این دو رهنمون می شود، رابطه ای که می توان از آن به زمینه سازی ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تعبیر کرد؛ بلکه می توان هر انقلاب و جنبشی را به میزان هماهنگیش با ویژگی های ظهور و حکومت حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، زمینه ساز ظهور دانست، (انقلاب بحرین، یمن، حزب الله لبنان و...)

رویکردی جدید به آموزه مهدویت

انقلاب اسلامی در چرخشی مبنایی و تحولی دوران ساز، طرح رویکردی جدید از آموزه مهدویت را سبب شد، برای تبیین این موضوع به آموزه مهدویت پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران نگاهی می اندازیم.

الف. اندیشه مهدویت پیش از انقلاب اسلامی

دوره حضور امامان علیهم‌السلام که حدود دویست و پنجاه سال به طول انجامید، در شکل‌گیری اندیشه مهدویت بیشترین تأثیر را به خود اختصاص داده است. لکن رویکرد به آموزه مهدویت در دوران غیبت کبرا با کاستی‌هایی همراه بود از جمله:

یک. تا پیش از انقلاب اسلامی، برداشت منفعلانه و انزواگرایانه از مفهوم انتظار، یکی از عوامل رکود و انفعال بود. انتظار منفی و تعطیلی حکومت مشروع، مدتی طولانی، بر اندیشه اندیشور شیعه چیره گشته بود.

دو. در این دوران اندیشه مهدویت در جایگاه یک گزاره دینی بحث و بررسی می‌شد؛ بدین معنا که رویکرد غالب اندیشوران، معطوف به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات، ادعیه و دیگر مسائل مهدوی به صورت موردی و جزیی بود.

سه. نگاه سطحی و عاطفی به آموزه مهدویت، رویکرد غالب در این دوران است.

ب. انقلاب اسلامی ایران و تغییر نگرش به آموزه مهدویت

تحول روش شناختی در رویکرد به آموزه مهدویت

از مهم ترین آموزه های دین مبین اسلام که در واقع جلوه‌گری غایتمندی تاریخ است؛ نظریه جامع و کامل «نجات گرایانه» آن، یعنی آموزه مهدویت است. مهم‌ترین تفاوت اندیشه مهدویت در دوره کنونی، در مقایسه با پیش از انقلاب اسلامی، به رویکرد به این آموزه برمی‌گردد. مهم‌ترین ضلع این تمایز روشی، رویکرد فعالانه و راهبردی و هویت ساز به این آموزه است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران با آرمان های مهدوی سبب شد چارچوب‌های نظری و سنتی و رهیافت توصیفی و گزارش‌گونه از آموزه مهدویت کمرنگ شود. تلاش برای رسیدن به جامعه منتظر پیش از ظهور، توجه به نقش و جایگاه امام معصوم علیه‌السلام در عصر غیبت کبرا، حاکمیت جهانی اسلام به رهبری امام معصوم علیه‌السلام و.... از عناصر و مؤلفه‌های چنین رویکردی است. انقلاب اسلامی با تمسک به این آموزه، برای همگان هویتی مهدوی پدید آورد؛ آموزه مهدویت نه تنها «هویت مهدوی» می‌سازد، بلکه رفتارها، کنش‌ها و هنجارهای جدیدی را پدید می‌آورد.

در نتیجه این «هویت سازی» و «هنجارآفرینی» است که نهضت‌های بزرگی برای مبارزه با جهل و نادانی پدید می‌آید. در این رهگذر، جامعه بشری، افق آتی خویش را جامعه موعود خواهد دید؛ جامعه‌ای که در سایه زمامداری امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تمام آرمان‌های متعالی‌اش به منصه ظهور خواهد رسید.

بازتعریف مکتب انتظار در فرهنگ سیاسی تشیع

می توان بر این باور پای فشرد که همه ارکان لازم برای آفرینش یک تحول اجتماعی حقیقی، همه جانبه و کامیاب در انتظار مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تعبیه شده است. اساساً نمی توان ویژگی تحول‌گرایی اجتماعی و انقلاب زایی را از انتظار سلب کرد. این ویژگی ممتاز مهدویت شیعی از آن‌جا ناشی می‌شود که موعود مورد اعتقاد و انتظار شیعه، حاضر است و غیبت او فقط به معنای عدم ظهور است. تشیع، تنها مذهبی است که منجی و موعودش زنده و عینی است و مانند دیگر مکاتب و ادیان به آینده نامعلوم واگذار نشده است. سوشیانت، منجی آیین زردشتی، در آخرالزمان متولّد می‌شود و مسیحا که عهدین، آن را نجات بخش پایانی می‌داند در آخرالزمان ظهوری مجدّد دارد. در هیچ یک از آیین‌ها منجی، وجودی عینی و زنده ندارد به همین دلیل، انتظار به معنای واقعی در تشیع متحقّق است. با پیروزی انقلاب اسلامی، واژه انتظار که سال‌ها با سکوت و سکون، تحمل ظلم و در یک کلمه، در جا زدن به امید برآمدن دستی از غیب مرادف شمرده می‌شد، مفهومی دیگر یافت. این بار، «انتظار» نه در جایگاه عاملی برای خاموش کردن روح سرکش اجتماع، بلکه به مثابه ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد.

انقلاب اسلامی تنها الگوی عملی برداشت صحیح از انتظار در عصر حاضر است که آثار و نتایج شگفتی چون قیام ضد بی‌عدالتی‌ها، تلاش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه‌جویی با ظالمان و عدم همراهی با حاکمان نامشروع را به دنبال داشته است. امام خمینی(ره) انتظار ظهور حجت را استمرار اقتدار اسلام، تبیین می‌کند و می‌فرماید:

«ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم، تحقق پیدا کند (امام خمینی، ۱۳۸۰: ج۱۸، ص۳۷۴)

با پیروزی انقلاب اسلامی، روح درهم‌شکسته و خسته شیعیان در مناطق مختلف جهان، زنده شد و روحیه امید در کالبد آنان دمیده گشت. پس از انقلاب، روحیه خودباوری و اعتماد به نفس شیعیان تقویت شد و آنان جرأت و شجاعت خود را بازیافتند. پیروزی انقلاب اسلامی به آنان آموخت که نباید برای ظهور مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به انتظار نشست؛ بلکه باید به انتظار ایستاد. به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در احیای مکتب انتظار بوده و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد.

زمینه‌سازی ظهور، چشم‌انداز تشکیل حکومت در روزگار غیبت

نهضت عاشورا در جایگاه منبع تغذیه و تأمین محتوای هویت تأسیسی و تداومی انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی و تشکیل جامعه منتظر پیش از ظهور، شکل دهنده و منبع هویت غایی انقلاب اسلامی برگزیده شده است، از دیدگاه امام خمینی(ره) پدیده ظهور، یك رخداد فوق‌العاده و بی‌نظیر تاریخ بشریت به شمار می‌رود؛ ولی هرگز یك پدیده فراطبیعی و بریده از اوضاع جاری در این عالم نیست؛ بلکه رخداد ظهور، برای برپایی نظام عدل و تحقق حاکمیت همه جانبه دین اسلام و برای سامان دادن به اوضاع زندگی بشری است. بدیهی است چنین رخدادی همانند دیگر رخدادهای طبیعی، مقدّمات و بسترهای خاص خود را می‌طلبد که بدون آن، تحقّق چنین تحول عظیمی، امری ناممکن و انتظاری نامعقول است. تحولات جاری در عرصه بین الملل و رویکرد دینی و معنوی بشر معاصر و امواج وسیع اسلام‌خواهی و بیداری اسلامی در جهان. به ویژه دنیای غرب. مؤید این واقعیت است که امام خمینی(ره) با هدایت و رهبری بزرگ‌ترین انقلاب مردمی، در واقع، آغازگر کوشش در راستای زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بود. ایشان صدور انقلاب را برای هموار کردن راه ظهور منجی و مصلح کل جهان، وظیفه خویش دانسته، در پیامی می‌نویسد:

«ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق، امام زمان. ارواحنا فداه. هموار می‌کنیم (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸: ج۲۱، ص۳۴۵)

سید مهدی طاهری

انواع انتظار در اندیشه مسلمین

آموزه ظهورمنجی یکی ازآموزه‌های مشترک و فراگیر ادیان آسمانی است. هرچند چنین آرمانی تاکنون محقق نشده، مؤمنان براساس تعالیم پیامبران خود، همواره چشم به راه آن بوده‌اند. پیامبران گذشته در میان امت‌های خویش ازاصلاح اساسی جامعه بشری و اجرای عدالت همگانی سخن می‌گفتند و ظهور مصلح بزرگ را به پیروان خود بشارت می‌دادند. از آنجا که بشر براساس فطرت خویش، به دنبال تحقق عدالت عمومی است تا همه گروه‌های جامعه از ستمگری، استبداد و محرومیت رها گردند، حالت انتظار در همه افراد بشری وجود دارد. تا جایی که اعتقاد به حتمی بودن ظهور موعود نجات‌بخش جهان، در مکاتب مادی نیز وجود داشته است. در همین زمینه آیت‌الله آصفی بیان کرده‌اند:

«مسئلة انتظار از محدوده دین فراتر رفته و مذاهب و رویکردهای غیردینی نظیر مارکسیسم را نیز شامل شده است». چنان‌که برتراند راسل گفته است: «انتظار، تنها به ادیان تعلق ندارد، بلکه سایر مکاتب و مذاهب نیز ظهور نجات بخشی که عدل را بگستراند و عدالت را تحقق بخشد، انتظار می‌کشند».

(انتظار پویا، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۶، ص ۹۷)

طرح مباحثی همچون انتظار در همه ادیان و مذاهب برای انسان‌ها نوعی امیدواری به آینده ایجاد کرده است. در اسلام، که دین خاتم است، این انتظار روشن‌تر و در شیعه نیز در مقایسه با سایر فرق اسلامی از شفافیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا بسیاری از ویژگی‌های آن مصلح و منتظران او را پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام مشخص کرده و در روایات نیز با تشویق مردم به انتظار فرج، آن را به منزله بهترین اعمال معرفی نموده‌اند. با شکل‌گیری دوران غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، حالت انتظار و فرج به صورت محسوس در میان شیعیان شدت گرفت و انتظار نزد شیعیان به صورت یک مفهوم اجتماعی درآمد که در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی، چگونگی نگرش به آینده و همچنین در ترسیم خط سیاسی سهم بسزایی داشته است.

تفاسیر و برداشت‌های متفاوت از مفهوم انتظار سبب شده است نظریات متفاوت و گاه متضادی به وجود آید و براساس این برداشت‌ها، تکالیف متفاوتی ارائه شود. حال برای روشن‌شدن وظیفه شیعیان و منتظران واقعی حضرت در عصر غیبت، بررسی مفهوم انتظار در لغت و اصطلاح، نظریات و دیدگاه‌های متفاوت در این زمینه و در نهایت برداشت صحیح آن ضروری است.

مفهوم انتظار

انتظار در لغت به معنای «چشم به راه بودن، دیده‌بانی، درنگ در امور و نوعی امید داشتن به آینده» است و همچنین «به حالت روانی کسی گفته می‌شود که از وضع موجود خسته شده است و برای ایجاد وضع بهتری تکاپو و تلاش می‌کند» (التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۷۱، ص ۶۶)

در اصطلاح نیز انتظار عبارت است از:

«امید به آینده‌ای که در آن ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض و زشتی نباشد و جهان از آنها رهایی یافته و عدالت‌گستری بر گیتی حاکم باشد» (دائره المعارف تشیع، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۵۳) و در تعریفی دیگر:

«چشمداشت همیشگی به اینکه وعده بزرگ الهی روی دهد و روزی فرا رسد که بشر در سایه عدالت کامل به رهبری حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف زندگی کند» (تاریخ الغیبة الکبری، ص ۲۳۶)

>>>> انواع انتظار

انتظار حالتی روانی با درنگ و تأمل است که شامل دو برداشت کلی است:

انتظار سلبی:

در این دیدگاه انتظار به مفهوم انزوا، بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی نسبت به حکومت‌های نامشروع و بی توجهی نسبت به اصلاح جامعه است که از آن به انتظار سلبی، مخرب یا ویرانگر تعبیر می‌شود که شامل دیدگاه‌ها و گروه‌های متفاوتی است. عده‌ای انتظار فرج را به این معنا دانسته‌اند که جامعه باید به حال خود رها شود و به فساد آن توجهی نکرد تا زمینه ظهور ـ که سرشاری جامعه از ظلم است ـ فراهم آید. عده‌ای نیز فراتر از این عقیده، معتقدند نه تنها نباید جلوی فساد و گناهان را گرفت، بلکه باید به آنها دامن زد تا هرچه بیشتر زمینه ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فراهم آید.

به همین منظور اینان هر حرکت اصلاح‌طلبانه‌ای را محکوم به شکست می‌دانند و «طبعاً به مصلحان، مجاهدان، آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می‌نگرند؛ زیرا آنان را از تأخیراندازان ظهور و قیام مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌شمارند. برعکس اگر خود هم اهل گناه نباشند، در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می‌نگرند؛ زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می‌نمایند» این نوع برداشت از انتظار، که به تعطیلی در حدود و مقررات اسلامی و گسترش فساد منجر می‌شود، نوعی «اباحی‌گری» است که به هیچ‌وجه با موازین اسلامی و قرآنی مطابقت ندارد و در عمل نیز هیچ‌گاه به صورت گرایشی قوی و غالب ـ و حتی در خور توجه ـ در میان شیعیان مطرح نگردیده است. این دیدگاه ویرانگر و اسارت‌بخش به توجیه واقعیات موجود و تسلیم شدن در برابر ظلم و جور مستکبران مهر تأیید زده و هر اصلاحی را محکوم می‌شمارد. شایان ذکر است که طی تاریخ حاکمان جور، اندیشه‌هایی را که موجب براندازی و تضعیف حکومتشان می‌شد، تحریف می‌کردند؛ از این‌رو دست‌های نامرئی طبقه حاکم برای حفظ موقعیت خود تلاش می‌کردند تا انتظار معنای واقعی خود را در میان مردم از دست بدهد. امام خمینی(ره) این نگاه را اندیشه‌ای با ریشه استعماری دانسته است و از نظر ایشان استعمارگران اندیشه جبر و انفعال را در میان دینداران ترویج داده‌اند تا به‌راحتی سلطه خود را ادامه دهند، همچنین باید خاطرنشان کرد که عمل نمودن بر مبنای برداشت سلبی به تعطیلی بسیاری از احکام اجتماعی اسلام منجر خواهد شد و امام خمینی(ره) نیز در این زمینه این نکته را بیان کرده است که «نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است و مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است و بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق و سیاست و تدبیر جامعه بود».

وقرآن نیز همه را لازم‌الاجرا می‌داند(برای نمونه رک: آیه‌های: ابراهیم/ ۵۲، یونس/ ۲، حج/ ۴۹، احزاب/ ۴۰، یس/ ۷۰) سرانجام می‌توان گفت که برداشت انزوایی از انتظار، چیزی جز مفهوم رهبانیت در اسلام نیست؛ مفهومی که با مبانی دینی سازگاری ندارد.

انتظار ایجابی:

در این دیدگاه انتظار به معنای قیام و انقلاب علیه دولت‌های ظالم و غاصب و مبارزه با فساد و تباهی برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که از آن به تعابیر متفاوتی همچون انتظار سازنده، پویا و زنده تلقی می‌گردد. این برداشت به منظور زمینه‌سازی مثبت برای حکومت جهانی موعود، انتظار را به معنی «فراهم‌آوردن زمینه ظهور، ظلم‌ستیزی به اندازه توان و آمادگی برای ظهور حضرت» می‌داند.

در این دیدگاه برخلاف نظریه پیشین، که برای انسان تکلیفی قائل نبود، فرد منتظر باید با برخورداری از اعمال پاک، شهامت و آگاهی، خود و جامعه را آماده ظهور منتظَر نماید. انسان منتظر نیز باید در خودش آمادگی برای اطاعت و پیوستن به آن حضرت را ایجاد کند. در انتظار سازنده چنان‌چه مؤمنان تلاشی پیگیر در اصلاح جامعه نداشته باشند و با زشتی‌ها و منکرات مبارزه نکنند، منتظر شمرده نمی شوند. پیروان برداشت دوم معتقدند که جامعه اسلامی باید با استفاده از تمامی امکانات، در آمادگی و رشد انسان‌ها در فراهم آوردن بسترهای لازم برای ظهور تلاش کند.

براساس اسناد تاریخی از صدر اسلام تاکنون، شیعه در مقام گروهی انقلابی و تحول‌آفرین، برای فراهم آوردن بسترهای ظهور، هیچ‌گاه ولایت ظالمان را نپذیرفته و در برابر سلطه و اقتدار سیاسی نامشروع، موضع رد و منفی داشته است. در این‌باره وجود آموزه‌هایی همچون «موعودگرایی»، «انتظار فعال»، «اجتهاد سازنده»، «مرجعیت»، و «ولایت‌فقیه»، پویایی خاصی به مکتب تشیع بخشیده و تشیع را به مذهب پویا و پیشرو در جهان اسلام تبدیل کرده است؛ نقطه شکوفایی و اوج این تفکر، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در دوران معاصر محقق شد. در دوران تاریک و پر از ظلم و فساد رژیم پهلوی، آگاهی‌بخشی علمایی همچون امام خمینی(ره) باعث شد زمینه برای ظهور و بروز آثار و پیام‌های اصلی «انتظار» فراهم شود و رژیم طاغوت که به سرعت به سمت دین ستیزی، ترویج مفاسد، ارزش‌زدایی، خفقان و استبداد پیش می‌رفت، با غفلت از باورهای عمیق و درونی مردم متدین، به روحیه ظلم ستیزی، شهادت‌طلبی و اصلاح‌گرایانه آنان توجهی نداشت.

در این وضعیت امام خمینی(ره) با طرح اندیشه حکومت اسلامی در عصر غیبت، درصدد تحقق انتظار پویا در جامعه برآمدند. ایشان ضمن مقابله با انتظار سلبی فرموده‌اند: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور، ان‌شاءالله تهیه شود».

(صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵)

خدمات متقابل مهدویت و انقلاب

گفتگو با برخی از کارشناسان حوزه مهدویت

حجت‌الاسلام «محمود متوسل»

<<< مهمترین ویژگی و وجه تمایز انقلاب اسلامی ایران با دیگر انقلاب ها در جهان آن است که این نهضت با رهبری یک مرجعیت دینی آغاز شد و به ثمر رسید و در سایه همین مرجعیت، عموم اقشار مردم با انقلاب همراهی کردند و مثل دیگر انقلاب ها به طبقه کارگری یا روشنفکری و امثال آن محدود نمی شد.

<<< این تبعیتِ از مرجعیت و همراه شدن با آن، به این دلیل بود که اکثر مردم ایران مسلمان اند و از مراجع، تقلید می کنند؛ یعنی مراجع را نایب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می دانند به عبارت دیگر، همانطور که اطاعت از امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را در هنگام ظهور بر خود واجب می دانند در زمان غیبت هم از مراجع به عنوان نایبان عام ایشان تبعیت می کنند. از این رو، اینکه مردم به خیابان آمده و شعار دادند، زندانی شدند و شهید دادند بنابر اعتقادات دینی شان بود نه صرف مبارزه ای سیاسی.

<<< پس از پیروزی انقلاب این عنوان مرجع تقلید به «ولی فقیه» تغییر یافت؛ «ولی فقیه» همان مرجعی است که سرپرستی جامعه را نیز بر عهده دارد و مردم این سرپرستی را به دلیل نایب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بودنِ وی پذیرفته اند؛ به عبارت دیگر، مردم اگر قبل از انقلاب به فرمان مرجع تقلید مبارزه می کردند بعد از انقلاب تحت امر «ولی فقیه» مبارزه با استکبار و ظلم را ادامه دادند.

<<< از این رو، هم انقلاب و هم نظام جمهوری اسلامی هر دو مدیون و مرهون فرهنگ مهدویت و انتظار هستند؛ چراکه اگر مردم چنین اعتقادی را نسبت به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و نایب ایشان در عصر غیبت نداشتند با امام و انقلاب همراهی نمی کردند.

<<< فعالیت های مهدوی و منتظرانه پس از انقلاب در ابعاد کمی و کیفی رشد داشته است چنان که اقداماتی همچون برگزاری دعای ندبه در مهدیه ها رایج و تبدیل به فرهنگ شد و نیز خیریه های متعدد اجتماعی درمانی به نام امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فعال شد که در سایه آن مدارس، بیمارستان ها و دیگر مراکز خدمت رسانی ایجاد شده است.

<<< علاوه بر این، ترویج مهدویت هم در دستور کار بوده چنان که در کتاب های درسی مدارس و دانشگاه ها، مباحث مهدوی طرح شده و همین سبب گشته تا شناخت مردم از امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، مهدویت و انتظار افزایش بیابد.

حجت‌الاسلام «محمد صادق کفیل»

<<< نکته مهم این است که: اصل انقلاب برای زمینه سازی ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بوده است لذا باید هر حرکت و برنامه ای در انقلاب در راستای این هدف باشد پس برای ارزیابی دستاوردهای انقلاب باید بررسی کنیم که در این راستا حرکتی داشته ایم یا خیر؟

<<< اگر هدف انقلاب جاده سازی بود باید آمار ساخت جاده ها ارائه می شد اما هدف انقلاب موضوعی دیگر بوده است؛ در 40 سالگی انقلاب نباید به دنبال مقایسه وضعیت کشور با کشورهای دیگر بود زیرا اهداف انقلاب ما متفاوت با دیگر کشورهاست.

اولین دستاورد انقلاب:

انقلاب اسلامی در زمینه اقدامات اثباتی در حوزه مهدویت با توسعه مهدیه ها، رونق بخشیدن به مسجد مقدس جمکران، برگزاری آیین های دعای ندبه، حلقه های معرفتی، تعمیق و گسترش جشن های نیمه شعبان، تشکیل کانون های مهدوی در آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش عالی اقدامات و دستاوردهای بسیاری داشته است. باید در سال های آینده مهدویت را وارد چشم اندازهای نظام و کرسی مهدویت را در مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی وارد کنیم.

دومین دستاورد انقلاب:

در چهل سالگی انقلاب اسلامی مقابله خوبی با جریان های انحرافی، جریان های ملاقات گرایی، انجمن حجتیه و مدعیان ظهور صورت گرفته که اینها همه به برکت نظام است و اگر انقلاب نبود هر کدام از این انحرافات می توانست سبب آسیب های عمده شود.

سومین دستاورد انقلاب اسلامی:

ترویج و تبیین مبانی مهدویت در دنیا است چنان که توانسته جریان ظلم ستیزی و استکبارستیزی را در جهان ترویج کند و جریان امید به آینده را احیاء کرده است.

حجت‌الاسلام «عباس خادمیان»

تا ظهور صغری در افکار رخ ندهد ظهور کبری واقع نمی شود

>>> یکی از بزرگترین خدمات انقلاب اسلامی در این باره، آن است که زمینه غفلت و انحراف را در افکار عامه مردم و اندیشمندان و نخبگان برطرف کرد و این خدمتی بی بدیل است، چراکه تا فهم و درک درستی از اندیشه ظهور و مهدویت در دل ها و افکار رخ ندهد ظهوری اتفاق نخواهد داد؛ چون غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به عدم شناخت و کج فهمی ها از احکام و آموزه های دین باز می گردد.

>>> اگر امیرالمومنین علیه‌السلام خانه نشین شدند و حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام در کربلا با آن جنایات به شهادت رسیدند همه و همه به دلیل کج فهمی و بدفهمی از دین است. به همین خاطر امام خمینی(ره) در بستر انقلاب اسلامی زمینه ای را فراهم کرد که شأن و شخصیت امامت بیشتر تبیین شود.

>>> هر جا شأن و شخصیت امامت تبیین شده ما به ظهور نزدیک تر شده ایم و انقلاب قدم بزرگی در این نزدیک شدن به ظهور برداشته است؛ برای همین است که دشمنان تلاش می کنند مقام امامت و ولایت را خدشه دار کنند؛ هر جا امامت در افکار و نظریه ها ظهور کرد، جهالت از بین رفته و بالعکس هر جا ضعیف شد جهالت مجال جولان یافته است، از این رو، رسانه های معاند و شبکه های ماهواره ای دائماً در تلاش هستند تا شأن امامت را مخدوش کنند، اما اگر منطق امامت بر جامعه حاکم شود انحرافات از بین می رود و این هنر انقلاب بود که فرهنگسازی و درک عمیقی را از باور مهدویت ارائه کرد.

>>> هر جا انقلاب با مهدویت و تفکر امام زمانی که بروز و نمودش ولایت فقیه است پیش رفته، تحولات بزرگی را رقم زده است مانند موشکی، هوا فضا، ماهواره، نانو، هسته ای، پزشکی نمونه دیگر آن، دوران دفاع مقدس که پاسخی قاطع بود به جریان های انحرافی که دین را در عرصه های سیاسی اجتماعی فاقد کارایی می دانستند. در [جنگ تحمیلی] همه جهان کفر جمع شده بود تا تشیع را منزوی کرده و از بین ببرد اما در سایه هنر امامت و ولایت با دست خالی، آن پیروزی های بزرگ رقم خورد آنهم بعد از دویست سال که در هر حمله ای قطعه ای از خاک وطن جدا شده بود اما در این هشت سال نخستین بار بود که مقابل دشمن ایستادیم و ذره ای از خاک وطن را ندادیم و امروز هم جریان انقلاب (که صدام می خواست یک هفته ای نابودش کند) همچنان حیات دارد و اربعین خود را تجربه کرد.

انقلاب اسلامی ایران، چه نقشی در قیام و ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دارد؟

هر انقلابی برای رسیدن به اهداف خود، به مقدماتی نیاز دارد. دعوت و قیام جهانی امام موعود نیز به زمینه ها و شرایطی نیاز دارد که بخشی از آن را جامعه آماده می‌کند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است:

گروهی از مردم از طرف مشرق خروج می‌کنند؛ پس برای مهدی حکومتش را آماده می‌کنند.

در این راستا، امام راحل(ره)، می‌گوید: ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت بیان احکام محمدی است، به سیطره و ظلم جهان خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی کل هموار می‌کنیم. همچنین در بخشی از سخنان خود، می‌گوید: «انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچم‌داری حضرت حجت علیه‌السلام است که خداوند، به همه جهانیان منت نهد و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد».

رهبر معظم انقلاب نیز می فرماید: «... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود .ارواحنا له الفداء .به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است». ایشان رابطه این دو انقلاب را این گونه تبیین می‌کند: انقلاب ما، در راه آن هدفی که امام برای تأمین آن مبعوث می‌شود یک مقدمه لازم بوده [است]. شما مردم ایران و مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیده‌اند، بدانید. شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سر منزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر شدید. شما یک قدم، این بار را به منزل نزدیک‌تر کردید».

در نتیجه انقلاب اسلامی ایران، همچنان که برخاسته از اعتقاد به امامت است، زمینه‌ساز قیام و حکومت امام مهدی علیه‌السلام نیز است.

هشت عامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران

از نگاه رسانه عرب زبان

عامل اول: وجود روش و تئوری محکم ولایت فقیه برای ظهور این انقلاب است که این نظریه ولایت فقیه برگرفته از اندیشه بزرگ اسلامی است که فقها بر اساس این اندیشه اسلامی و شواهد عقلی استدلال می‌کنند که این شواهد عقلانی ضرورت اعمال احکام الهی در جامعه اسلامی است.

عامل دوم: وجود یک فقیه الهی، که خدا را شناخت و قادر به اداره و رهبری مملکت بود و این شخص حضرت امام خمینی (ره) بود. رهبری که عالم‌ترین فقها توصیف شد و توانایی رهبری و مدیریت کشور اسلامی را داشت. وی دارای شخصیتی زاهد بود که احکام الهی را در جامعه اجرا می کرد و این احکام را قبل از اینکه برای دیگران شرح دهد، برخود اعمال می‌کرد.

عامل سوم: وجود اهداف انقلاب که همان اهداف بعثت انبیاء و پیامبران یعنی ایجاد جامعه‌ای خوب و نیکو، اجرای احکام الهی، سوق دادن مردم به سمت عبادت خدا و همچنین آماده سازی زمینه برای ظهور بزرگترین ولی خدا، صاحب عصر و زمان علیه‌السلام است.

عامل چهارم: وجود نخبگان آگاه و دانشمندان صالح، اندیشمندان و دانشگاهیان که در ارتباط با رهبر و ملت ایران بودند و انقلاب اسلامی ثمره تلاش نخبگان وصالحانی مانند حضرت امام خامنه ای و شهید آیت‌الله مطهری، شهید بهشتی، شهید رجائی، آیت‌الله جواد آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله احمد جنتی، آیت‌الله قدوسی و ده‌ها تن از علما و پیشگامان اسلامی است.

عامل پنجم: وجود جامعه‌ای با توانایی فدا کردن همه چیز در راه اسلام و توانایی تغییر رژیم فاسد و جنایتکار پهلوی که در راستای منافع آمریکا، رژیم اسرائیل و کشورهای غربی حکومت می‌کرد.

عامل ششم: عامل اساسی در این انقلاب ملت و امت بودند که این انقلاب با توطئه یا کمک کشورهای غربی یا شرقی صورت نگرفت، بنابراین تا پیروزی انقلاب فداکاری زیادی صورت گرفت تا ظالمان در مقابل این انقلاب عظیم و باشکوه شکست خوردند.

عامل هفتم: عامل دیگر در پیروزی انقلاب ایران امور معنوی از جمله لطف الهی، دعای اولیای خدا، مومنان و امام زمان علیه‌السلام است. امور معنوی در تغییر جامعه بسیار ضروری است همانطور که خداوند متعال در کتاب خود می‌فرماید: خداوند وضعیت ملتی را تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان حال خود را تغییر دهند. بر این اساس ملت ایران خود خواستار تغییر جامعه‌شان و همچنین خواستار کشوری اسلامی شدند و خداوند متعال حال این ملت را به بهترین وضعیت ممکن تغییر داد.

عامل هشتم: انقلاب اسلامی ایران با گذشت سال‌ها و با وجود توطئه دشمنان از داخل و خارج کشور، در سایه الطاف الهی همچنان باقی مانده؛ چراکه این کشور ارزش و اصول اسلامی را حفظ کرد و به ارزش‌ها و اصول کشورهای غربی توجهی نکرد، بنابراین این انقلاب در منطقه گسترش یافت و کانون توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت، همچنین بسیاری از ملت جهان این انقلاب را ستودند. این انقلاب با وجود تمام توطئه دشمنان در تمام سطوح پیشرفت کرد.

انقلاب اسلامی باعث دگرگونی عظیم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران شد و نیز تاثیری شگرف در سطح جهانی به وجود آورد. با وجود آنکه انقلاب‌های بسیاری در جهان روی داده ولی انقلاب اسلامی ایران منحصر به فرد است. این انقلاب مورد توجه و تجزیه و تحلیل اندیشمندان و انقلابیون جهان قرار دارد. تجلیل از آن در اندیشه‌های کلامی و شعری بسیاری بروز و ظهور کرد و باعث شناخت مجدد اسلام در جهان معاصر شد.

انقلاب اسلامی ایران جلوه ای از الطاف امام

علی ابوالحسنی (منذر)

انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی (از حوادث کم نظیر تاریخ این مرز و بوم است که توانست رژیم پهلوی را -که قدرتهای بزرگ شرق و غرب، مدافع آن بودند و تا بن دندان مسلح بود- به گورستان تاریخ فرستد و بساط کهنه شاه و شاهبازی را برای ابد از این کشور بیرون بریزد.
درباره علل و عوامل "ظاهری" و "مادی" انقلاب اسلامی تا کنون فراوان سخن گفته اند؛ اما جا دارد درباره ابعاد "ناشناخته و پنهان" این جنبش تاریخ ساز -که رهبر فقید انقلاب، آن را "انفجار نور" و "معجزه الهی" می نامید- نیز تحقیقات شایسته انجام گیرد. در طول این انقلاب سترگ، شواهد و دلایل بسیاری وجود دارد که در مجموع، به گونه ای شفاف و اطمینان بخش، از امدادهای غیبی نسبت به ملت و کشور به پاخاسته ایران حکایت می کند و نشان می دهد که آن تحرّک عظیم و بی سابقه، موجی برخاسته از الطاف بیکران خداوند و اولیای معصوم وی به مردم ستمزده این دیار بوده است.

الطاف غیبی به انقلاب اسلامی

امام خمینی، در سخنرانی های خویش مطلبی را (عبارات گوناگون و مضمون و استدلال واحد) مکررمطرح، و بر آن تأکید کرده است، و آن، این که انقلاب اسلامی، رویدادی اعجازانگیز و فراتر از محدوده تنگ امور مادی بوده، و دست غیبی الهی به وسیله امام عصر عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در ایجاد و گسترش آن دخالت دارد. آن بزرگوار، پیروزی انقلاب اسلامی را "اعجاز بزرگ قرآن" و "مائده بزرگ آسمانی"، "نصرت اعجازآمیز اسلام بر کفر"، و "تحفه خدا از عالم بالا" به مردم ایران می خواند و برای اثبات آن، برچند واقعیت ملموس و عینی انگشت می نهاد که می توان آنها را به این گونه، دسته بندی کرد:
نخستین نکته ا ی که امام راحل بر آن تأکید می کند، اتفاق و یکپارچگی عجیب مردم ایران در سراسر کشور و بروز حس تعاون در آنها برای مبارزه با رژیم پهلوی، تمنای حکومت اسلامی، و خدمت خالصانه به هموطنان است.
به گفته امام، پیش از آن، هر گروه و طبقه ای، ساز خود را میزد و راه خود را می رفت. دلها از هم دور بود و طبقات مختلف، از هم بیگانه، بلکه بدبین بودند؛ دانشگاهیان و روحانیان، ؛ همدیگر را قبول نداشتند. در سالهای ۵۶ و ۵۷ ناگهان دلها و زبانها یکی شد و طبقات و اقشار مختلف کشور- دانشگاهی و روحانی، باسواد و بی سواد، شهری و روستایی، صنعتگر و کشاورز و پزشک و مهندس، نظامی و غیرنظامی، زن و مرد، پیر و جوان و حتی کودکان خردسال- یکباره روی شعار "مرگ بر شاه" و "نابود باد رژیم پهلوی" وحدت یافتند و یکدل و یکزبان، خواستار سقوط رژیم شاهنشاهی و استقرار حکومت اسلامی شدند.
امام راحل در تبیین مسأله، نمونه های جالبی از این اتفاق و اتحاد ملی را (به نقل از کسانی که در کوران انقلاب، در ایران می زیستند و گاهی مشهودات مستقیم خویش) نقل می کند. فرمود:
من در پاریس که بودم و می شنیدم که تمام مردم بلاد- از آن اقصا بلاد تا مرکز، از دهات کوچک تا شهرستانهای بزرگ- همه با هم متحد شدند و یک کلمه می گویند و آن اینکه "سلسله پهلوی، نه و جمهوری اسلامی، آری" من آنجا این طور فهمیدم که این دست، دست غیب است. انسان نمی تواند این وحدت را تحصیل کند. انسانها شعاع فعالیتشان محدود است. ممکن است یک شهر را، یا یک استان را... به وحدت کلمه برساند. ممکن است یک گروه از مردم را وحدت کلمه در آنها ایجاد کند؛ لکن یک کشور سی و چند میلیونی- با اختلاف گروه ها، با اختلاف آمال و آرزوها، با اختلاف فهم و شعور آنها- همه با هم مجتمع شدند و همه با هم دست به هم دادند و یک مطلب را خواستند. این نیست، الاّ اینکه دست غیبی در کار است؛ خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.
نکته دیگر، تحول روحی عجیب در مردم ایران از حالت "ترس و هراس"، به "شجاعت" "تهور" برابر رژیم پهلوی و ساواک جهنمی و نیز حامیان قدرتمند خارجی او (آمریکا، انگلیس، شوروی...) بود.

ناگهان، همه این ترس ها فرو ریخت و همان مردم- در حالی که نه از شاه و ارتش و ساواک جهنمی او ترسیدند و نه هیبت ابرقدرت های پشتیبان وی هراسی داشتند- به میدان آمدند و با شهامتی چشمگیر و مثال زدنی پنجه در پنجه رژیم پهلوی افکندند. به ویژه، روحیه شهادت طلبی در مردم (به خصوص جوان ها) شگفتی ها آفرید.
امام نقل می کند: پس از انقلاب، دختر و پسری نزد من آمدند که بینشان صیغه عقد جاری کنم. زمانی که مراسم اجرای عقد تمام شد، عروس، کاغذی نوشت و به دست من داد. وقتی پس از رفتن آنها کاغذ را نگاه کردم، دیدم نوشته است که: "آقا! من عاشق شهادتم و دعا کنید من شهید شوم".
نکته سوم که امام، در اثبات وجه "الهی و اعجازانگیز" انقلاب، مورد تأکید قرار می دهد، رعب و هراسی است که در دل شاه و حامیان قدرتمند شرقی و غربی وی افتاد و سبب شد (به تعبیر مرحوم حضرت امام) از مقابله جدی با نهضت منصرف شوند و از واکنش ها و اقدامات تند و خشن برابر انقلاب و انقلابیان خودداری کنند.

پیروزی ملت با دست کاملاً خالی و در جنگی به شدت نابرابر با رژیم پهلوی (که از حمایت قدرتهای جهانخوار آمریکا، انگلستان، روسیه و... حتی رؤسای کشورهای اسلامی، مانند صدام برخوردار بود) از دیگر عجایبی بود که در انقلاب رخ داد و از محاسبات معمول مادی و سیاسی فراتر بود. حضرت امام می‌فرماید:

یکی از بزرگ‌ترین همراهی های خدای تبارک و تعالی با ملت ما، این بود که اینها را از مقابله جدی منصرف کرد. اگر اینها میخواستند که مثلا مثل حالای افغانستان [اشاره به دوران اشغال خونین افغانستان توسط ارتش سرخ] رفتار کنند، خوب خیلی زیاد ما ضایعه داشتیم.

چهارمین نکته ای که امام بر آن تأکید می کند، آن است که، در ایام انقلاب، تصمیم هایی از سوی آن بزرگوار (به عنوان رهبر نهضت) گرفته شده و به وسیله ملت اجرا شد، که ضرورت و فوریت آنها، در زمان تصمیم گیری، معلوم نبود و مدت ها پس از زمان عمل و اقدام، مشخص شد. به گفته آن رهبر فقیه: "یک سری کارهایی ما می کردیم که آن زمان ما نمی فهمیدیم چه می کنیم: بعد می دیدیم که کار درست و کارستان، همین بوده که انجام داده ایم". از این امور، هجرت امام به پاریس بود که از سر ناچاری و پس از بستن مرزهای کویت به روی وی صورت گرفت. امام در آغاز فقط به هجرت به کشورهای اسلامی (مانند کویت و سوریه) می اندیشید.

آمدن امام از پاریس به تهران- در میانه انواع خطرها، دسیسه ها و حتی مخالفت دوستان صلاح اندیش- نیز، از همین اقدام‌ها بود؛ چون بسیار راحت می‌توانستند هواپیمای امام را بین راه منفجر کنند و در این صورت، معلوم نبود کدام دادگاه بین‌المللی بتواند این ماجرا را پی گیری کند.

امام راحل، همه این امور چهارگانه را بیانگر دخالت دست غیبی الهی می داند.

بعد از آن همه ترس و خوفی که همه مان داشتیم، چه شد که یکدفعه متحول شدیم به یک روحیه شجاع؟ او کی بود که بازاری و کاسب -که دنبال... منافع خودش هست -... ایثار کرد و یک ماه، بازار را گاهی در بعضی شهرستانها می بستند و هیچ فکر این نبودند که به ما، به این، ضرر خورده است؟ آن کی بود که این معجزه ها را کرد؟ غیر از خدا کس دیگری قدرت دارد؟! گاهی وقتها وقتی انقلاب، به یک مقدار پیروزی رسید، دیگر رها می کنند؛ آن کیست که ما را باز نگهداشته است به یک حالی که باز همه فریاد می زنند و "جمهوری اسلامی" را می خواهند؟ امدادهای غیبی، پس از پیرزوی انقلاب اسلامی نیز ادامه دارد.

پیروزی انقلاب، کار خدا بود که به وسیله امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف انجام گرفت

در تبیین رویدادهای شگفت انقلاب، امام راحل، خود را عامل پیدایش این تحول و پیروزی شگرف ندانسته و آن را تنها کار خدا می شمارد:

ملتی با نداشتن هیچ ابزار و ساز و سلاح، بر ابرقدرتها و بر قدرت شیطانی ای که تا دندان مسلح بودند، غلبه کرد؛ لکن این، من نبودم که این غلبه را نصیب شما کرد، این خدای تبارک و تعالی بود.

طبعا وقتی رهبر کبیر انقلاب، در این کار نقش اساسی نداشته باشد، کسان دیگر (از سران نهضت یا افراد مردم) به طریق اولی، در این کار نقش اساسی نداشته اند: "این پیروزی، ارتباط به من نداشت. من یک طلبه هستم و نباید این را به من متصل کنید. پیروزی، ارتباط به ملت هم نداشت، این پیروزی، مربوط به خدا بود". امام خمینی (از آنچه گفته شد، یک گام بلند فراتر رفته و اعلام می‌کند: این تحول و پیروزی، کار خدا بود که به وسیله امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف انجام گرفت. همچنین می فرماید:

شما می دانید که این پیروزی به دست آمده است؛ لکن این، من نبودم که این پیروزی را به دست آوردید به واسطه من. این خدای تبارک و تعالی، در سایه امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ما را پیروز کرد....

آثار امید به فرج در آینده نزدیک را (به خلاف اختناق سخت حاکم بر کشور) در برخی نوشته های امام یا در سال های ۱۳۴۵- ۱۳۴۷ می بینیم. برای نمونه می توان از نامه های امام به مرحوم شهید آیت الله سعیدی و دیگران یاد کرد.

یقین امام به درستی راه و پیروزی خود در پاریس

با همین نگاه و نگرش بود که رهبر فقید انقلاب، ماه‌ها پیش از بهمن ۵۷ اطمینانی عجیب به پیروزی جنبش و سرنگونی رژیم داشت و به این و آن می گفت: "شاه رفتنی است. به فکر روزها و اقتضائات پس از پیروزی باشید" و این در حالی است که هنوز هیبت و هیمنه رژیم، شکسته نشده بود و کسانی مانند مهندس بازرگان، به مبارزه گام به گام با حکومت پهلوی و تسخیر کرسی های مجلس شورامی اندیشیدند.

می دانیم که مرحوم امام، در ۱۴ مهر ۵۷ از نجف به پاریس آمد و آنجا افراد زیادی (از جمله استاد مطهری، مهندس بازرگان و..) با وی ملاقات کردند. می دانیم که آن ایام، هنوز قدرت جهنمی شاه برپا بود و آثار فروپاشی رژیم ظاهر نشده بود. در نتیجه، چشم انداز روشنی پیش روی انقلاب و انقلابیان نبود. با این اوصاف، ملاقات کنندگان همگی اظهار می کنند: در آن شرایط سخت، یک اطمینان و اعتماد عجیبی در چهره امام نسبت به پیروزی قاطع انقلاب بر رژیم موج می زد که حیرت انگیز بود.

با اسکن کد بالا می‌توانید متن کامل این مقاله را دریافت نمایید.

سخن آخر:

کاری نکنیم که عنایت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از ما و انقلاب برگردد

علت مبقیه و عامل دوام و پیشرفت هر چیز همان علت محدثه و عامل ایجاد آن است. باید دید چه عواملی باعث پیدایش انقلاب، و عطف توجه و عنایت الهی به آن شد، تا همان عوامل را با قوت و صلابت حفظ کرد. این قدرت الهی را از دست ندهید، این امانت الهی را حفظ کنید. همانطوری که آن وقت به فکر گرفتاری های خودتان نبودید و فکر، یک فکر بود و آن اسلام و این، رمز پیروزی شد. کاری نکنید که عنایت خدا کم بشود. کاری نکنید که برای ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ایجاد نگرانی بکنید. تفرقه نداشته باشید.

شکرگزاری به درگاه خدای متعال برای این نعمت بزرگ، با حفظ عوامل پیداش و ملزومات آن صورت می گیرد:

مواظبت بر تحول روحی و ایمانی ایجاد شده،

عدم گرایش به مادیات و تقویت روح توجه به خداوند،

حفظ وحدت کلمه در مسیر اهداف اصیل انقلاب و طرد شیاطین تفرقه افکن از صفوف ملت،

همدلی و فداکاری، پیش انداختن منافع و مصالح اسلامی و ملی، بر منافع و مسائل مادی و شخصی،

حفظ آبروی اسلام و جلوگیری از خدشه دارشدن آن، در اثر سرپیچی از موازین شرع و قانون،

ثبات قدم در پیشبرد احکام اسلام و کوشش برای جلب رضای الهی و خوشنودی امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (از راه عمل به تکالیف دینی، پاکدلی و پاک زیستی)

از دیدگاه امام راحل، نکات فوق، مهم ترین وظایفی است که اهل انقلاب، بر دوش دارند. به اعتقاد وی، همچنین باید از رمز بقای اسلام و پیروزی ملت **(وحدت کلمه، ایمان و خدمت مخلصانه به اسلام)** غافل نشد و ضمن **حفظ سنگر مساجد، برگزاری مراسم سوگواری امام حسین** علیه‌السلام و **دعا برای فرج حضرت ولی عصر** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، بر اعمال و رفتار روزمره خویش مواظبت کرد که مایه نارضایتی و شرمندگی آن حضرت نباشد:

نهضت شما، پیش دنیا یک معجزه است. این نهضت را با همین بعد اعجازی اش حفظ کنید و با اتکال به خدا و وحدت کلمه پیش بروید. امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر علیه‌السلام.

رهبر همه شما و همه ما، وجود مبارک بقیه الله است و باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار- که رضایت خدا است به دست بیاوریم.

به حسب روایت، نامه اعمال ما هفته ای دو بار پیش امام زمان علیه‌السلام می رود؛ و لکن میترسم ما که ادعا داریم تابع این بزرگوار هستیم - نعوذ بالله- پیش خدا شرمنده شود. اگر فرزند شما خلاف بکند، شما شرمنده می شوید. در جامعه شرمنده می شوید که پسرتان کار خلافی کرده. من خوف دارم که کاری بکنیم. که امام زمان علیه‌السلام، پیش خدا شرمنده بشود. ذره هایی که بر قلب های شما می گذرد، رقیب [=مراقب] دارد. چشم و گوش و زبان و قلب و همه چیز ما رقیب دارد. خدا نکند از من و شما و سایر دوستان امام زمان علیه‌السلام، یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان علیه‌السلام باشد. از خودتان پاسداری کنید، اگر می خواهید پاسداری شما در دفتر پاسداران صدر اسلام ثبت شود.

کوشش شما این باشد که ما بتوانیم اسلام را- آن طور که هست- در این مملکت پیاده کنیم. راه طولانی است؛ قوی باشید، اراده قوی داشته باشید.

ان شاء الله که این چهره های نورانی، ذخیره باشد و این زمان ما به زمان ظهور مهدی علیه‌السلام متصل شود.

۴ تفاوت مهمِ توجه به مهدویت در پیش و پسَ از پیروزی انقلاب

چرا توجه به رابطه انقلاب اسلامی و مهدویت مهم است؟

گفتگو با دکتر ابراهیم شفیعی سروستانی

ارتباط انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت و انتظار را چگونه تحلیل می کنید؟ آیا می توان گفت که این دو موضوع بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته اند؟

ارتباط انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت و انتظار و تأثیر و تأثر متقابل این دو از یکدیگر آنچنان بارز و آشکار است که حتی پژوهشگران و تحلیل‌گران غربی .کسانی چون مارتین کرامر، برنارد لوئیس، مروین زونیس، دانیل برومبرگ، مایکل ام. جی، فیشر.که در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی در کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل آویو (۱۹۸۴ م.) به بررسی و تحلیل نقش آموزه‌های شیعی در انقلاب اسلامی ایران پرداختند، به این موضوع توجه و در مقالات خود بر آن تأکید کرده‌اند.

برای نمونه آقای مارتین کرامر در مقدمه مجموعه مقالات این کنفرانس می نویسد: «طرفداران پرشور [امام] خمینی او را نایب امام، یعنی نماینده امام غایب می دانند. چنین عنوانی، به این معناست که پیروان [امام] خمینی قدرت او را الهی و مشروع می دانند. جاذبه [امام] خمینی و علما، بازتابی از ستایش ائمه است. بدون داشتن چنین ستایشی انسان نمی تواند بر نظریه [امام] خمینی درباره حکومت، صحه بگذارد». (تشیع، مقاومت و انقلاب: مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی دانشگاه تل آویو ۱۹۸۴، ص ۱۷)

در هر حال، ارتباط دوسویه و پیوند جدایی ناپذیر انقلاب اسلامی ایران و فرهنگ مهدویت و انتظار را از دو دیدگاه می‌توان بررسی کرد:

یک: از دیدگاه تأثیر فرهنگ مهدویت و انتظار بر انقلاب اسلامی و نقش این فرهنگ در شکل‌گیری، پیروزی و استمرار انقلاب شکوهمند مردم مسلمان ایران

دو: از دیدگاه اثرات انقلاب اسلامی بر فرهنگ مهدویت و انتظار و نقش این انقلاب در گسترش، پویایی و نهادینه شدن فرهنگ مهدویت و انتظار در جامعه اسلامی ایران.

به نظر شما در حال حاضر پرداختن به این ارتباط تا چه حد ضروری است و چه آثاری دارد؟

تبیین و تفسیر این ارتباط و پیوند از هر دو دیدگاه یادشده ضروری است و می‌تواند هم در رشد و اعتلای انقلاب اسلامی و هم در گسترش و تعمیق هرچه بیشتر فرهنگ مهدویت و انتظار بسیار مؤثر باشد؛ زیرا از یک سو، انقلاب اسلامی ریشه در باور مهدوی و مبانی انتظار شیعی دارد و به همین دلیل هر چقدر در تبیین فرهنگ مهدویت و انتظار و تأثیر آن بر شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران بکوشیم، در واقع موجب تقویت پایه های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی شده ایم. از سوی دیگر، چون باور مهدوی و فرهنگ انتظار در ایران امروز به شدت متأثر از دیدگاه های بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) است و احیای مجدد این باور و فرهنگ در ایران و سایر کشورهای اسلامی در چند دهه اخیر به مدد جریان انقلاب اسلامی بوده است، پرداختن به نقش انقلاب اسلامی در احیای فرهنگ انتظار و تأثیرات نهضت امام خمینی(قدس سره) بر این فرهنگ، می تواند موجب رشد و ارتقا و تعمیق انتظار پویا و سازنده یا در ایران و جهان شود. یعنی همان قرائتی از انتظار که تحت تأثیر اندیشه امام راحل(ره) در ایران احیا شد. بنا براین، جا دارد که پژوهشگران و دانش‌پژوهان حوزوی و دانشگاهی در پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های خود به این موضوع توجه و وجوه مختلف آن را با بهره‌گیری از علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، تاریخ، کلام و علوم قرآن و حدیث بررسی کنند.

به نظر شما فرهنگ مهدویت و انتظار چه تأثیری در شکل‌گیری، پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی ایران داشته است؟

برای روشن شدن پاسخ این پرسش، لازم است مقدمه ای عرض کنم. درباره انقلاب جهانی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف همواره این پرسش مطرح بوده است که آیا ما افزون بر انتظار فرج و چشم به راه بودن برای ظهور آن حضرت وظیفه‌ای در زمینه آماده‌سازی زمینه ظهور داریم یا خیر؟ برخی بر این باورند که ما وظیفه‌ای در این زمینه نداریم؛ زیرا ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تنها در گرو اذن خداوند است و هر زمان که اراده الهی به این امر تعلق گیرد، ظهور واقع می شود. بنابراین انسان‌ها نقشی در پیش افتادن یا پس افتادن ظهور و زمینه‌سازی برای آن ندارند. در مقابل این دیدگاه، برخی معتقدند که زمینه‌سازی برای ظهور و فراهم آوردن شرایط تشکیل حکومت جهانی منجی موعود از وظایف انکارناپذیر منتظران است و مردم می توانند با اعمال شایسته خود ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را نزدیک‌تر کنند. حضرت امام خمینی(ره) معتقد به این دیدگاه بود و در سراسر دوران مبارزه خود همواره بر وظیفه و تکلیف همگانی برای زمینه‌سازی ظهور تاکید می‌کرد.

دقیقا بر اساس همین دیدگاه بود که ایشان نهضت اسلامی را در سال ۱۳۴۲ آغاز کرد و سرانجام هم با رهبری خود به پیروزی رساند.

برای تبیین بهتر دیدگاه امام خمینی(ره) در این باره، به گزیده‌ای از رهنمودهای ایشان در سه بخش اشاره می‌کنیم. در بخش اوّل، دیدگاه امام راحل(ره) را در زمینه وظایف منتظران در عصر غیبت و تکلیف آنها در زمینه فراهم کردن شرایط ظهور، در بخش دوم، دیدگاه ایشان را درباره نقش انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و در بخش سوم دیدگاه آن رهبر فرزانه را در زمینه ضرورت تشکیل حکومت جهانی اسلام به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی تحلیل و بررسی می‌کنیم.

درباره دیدگاه امام خمینی(ره) در زمینه وظایف منتظران در عصر غیبت باید گفت: حضرت امام(ره) با ژرف‌اندیشی تمام، انتظار فرج را «انتظار قدرت اسلام» معنا کرده و فراهم آوردن مقدمات ظهور را یکی از وظایف منتظران می‌دانست و می فرمود: «همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود». (صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵)

ایشان در یکی دیگر از سخنان خود با نقد دیدگاه‌های موجود درباره انتظار، دیدگاه خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم، امّا چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است. شما یك نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم، امّا نمی‌توانیم بکنیم. چون نمی‌توانیم، باید او بیاید تا بکند، ولی باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیك بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت». (همان، ج ۲۰، ص ۱۹۸)

از این سخنان، دیدگاه امام راحل(ره) درباره زمینه‌سازی ظهور به خوبی روشن می‌شود. دیدگاه امام راحل(ره) درباره نقش انقلاب اسلامی در زمینه سازی برای ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را نیز می توان از ورای سخنان ایشان در مقاطع گوناگون انقلاب اسلامی به دست آورد. از سخنانی که امام(ره) در دوره های مختلف انقلاب اسلامی ایراد فرمودند، به خوبی استفاده می شود که ایشان برپایی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران را دو منزلگاه در طریق رسیدن به سر منزل مقصود و تشکیل حکومت عدل مهدوی می دانست و بر این باور بود که باید با اجرای کامل احکام اسلامی در عصر غیبت، زمینه را برای ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فراهم آورد.

در اینجا برخی از این سخنان را مرور می کنیم: «امیدوارم که این انقلاب یك انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیه الله .ارواحنا له الفداء .باشد». (همان، ج، ۱۶، ص ۸۸) «امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارك حضرت بقیه‌الله .ارواحنا لمقدمه الفداء .منتهی شود». (همان، ج ۱۵، ص ۷۵). «من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هست». (همان، ج ۱۲، ص ۱۷۵) «ان شاءالله اسلام را آن طور که هست در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالك خودشان پیاده کنند... و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر .ارواحنا له الفداء .». (همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰).

دیدگاه بنیان گذار انقلاب اسلامی درباره ضرورت تشکیل حکومت جهانی اسلام به عنوان یکی از مهم ترین اهداف انقلاب اسلامی را نیز می توان این گونه تبیین کرد: حضرت امام خمینی(ره) در سراسر دوران مبارزه هرگز هدف خود را در از بین بردن استبداد داخلی و مبارزه با استعمار خارجی در کشور ایران محدود نکرده بود. ایشان در پی گسترش حاکمیت اسلام در سراسر جهان و کوتاه کردن دست ابرقدرت‌ها از همه کشورهای اسلامی بود. ایشان، حرکت خود را در راستای قیام جهانی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می دید و انقلاب اسلامی ایران را مقدمه ای برای انقلاب عظیم مهدوی ارزیابی می کرد. از همین رو، تشکیل حکومت اسلامی در ایران هیچ گاه سبب نمی شد ایشان از حرکت بازایستد و حکومت جهانی مهدی موعود را به فراموشی سپارد.

بر همین اساس بود که ایشان می فرمود: «جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امید بخش آتیه ای روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیك و نزدیك‌تر می نماید. گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکّه معظّمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان.

از پانزدهم خرداد ۴۲ که حکومت مستکبران جبار در این سرزمین به اوج خود رسیده و می رفت تا عربده شوم «أنا ربّکم الأعلی» از حلقوم فرعون زمان طنین افکند، تا ۲۲ بهمن ۵۷ که پایه حکم‌رانی جبّاران عصر در این مرز و بوم فرو ریخت و تخت و تاج ۲۵۰۰ ساله فرعون‌گونه ستم شاهی به دست توانای ستمدیدگان تاریخ بر باد رفت، ایامی معدود بیش نبود، [...] ولی تحوّلی که کمتر از صد سال بعید به نظر می رسید با تقدیر خدای بزرگ در این ایام معدود و ساعات محدود تحقّق یافت و جلوه‌ای از وعده قرآن کریم نورافشانی کرد و چه بسا که این تحول و دگرگونی، در مشرق زمین و سپس در مغرب و اقطار عالم تحقق یابد: «ولیس من الله بمستنکر» که دهر را در ساعتی بگنجاند و جهان را به مستضعفان، این وارثان ارض بسپارد و آفاق را به جلوه الهی ولی الله الأعظم، صاحب العصر .أرواحنا له الفداء .روشن فرماید و پرچم توحید و عدالتی الهی را در عالم بر فراز کاخ‌های سپید و سرخ مراکز ظلم و الحاد و شرك به اهتزاز درآورد. «و ما ذلك علی الله بعزیز». (همان، ج ۱۸، صص ۱۱ و ۱۲)

امام راحل(ره) با ژرف اندیشی تمام و با پشتوانه اعتقاد به انقلاب جهانی حضرت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، مسئولان نظام را از اینکه تنها به ایران بیندیشند، برحذر می‌داشت و می‌فرمود:

«مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجّت .ارواحنا له الفداء .است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد، مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند».

(همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸)

از این رهنمود به خوبی استفاده می شود که امام خمینی(ره) ،تشکیل حکومت جهانی اسلام را یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی می دانست. از همین رو، معتقد بود که مسئولان نظام جمهوری اسلامی باید همه تلاش خود را برای ایجاد این حکومت به کار برند و متوجه باشند پرداختن به برنامه های توسعه، حتی یك لحظه، آنها را از این هدف بزرگ بازندارد؛ چون غفلت از آن، «خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد»

دیدگاه امام خمینی(ره) درباره انتظار و وظایف منتظران تا چه حد بر روایات وارد شده در این زمینه منطبق است و آیا می توان در این زمینه شواهدی از روایات نقل کرد؟

بله، یکی از وظایفی که به تصریح روایات، در دوران غیبت بر عهده منتظران فرج قائم آل محمد عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است، کسب آمادگی‌های نظامی و فراهم کردن تسلیحات مناسب هر عصر برای یاری امام غایب است. در روایتی که نعمانی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده، آمده :«هر یك از شما باید برای خروج حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف [سلاحی] آماده کند، هر چند یك تیر باشد. خدای تعالی هرگاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درك کند و از یاران و همراهانش قرار گیرد». (محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبة، ص ۳۲۰، ح ۱۰)

در روایت دیگری، شیخ کلینی از امام ابوالحسن موسی کاظم علیه‌السلام نقل می کند: «... هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن، دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب به ماست، خداوند روزی اش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش یاری کند». (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۳۵، ح ۱)

رمز اینکه شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد، این است که زمان ظهور مشخص نیست و هر آن‌که اراده خداوند تعلق گیرد، ممکن است ظهور رخ دهد. بنابراین، شیعیان باید همواره در حال آماده باش به سر برند تا در زمان ضرورت، به فرمان امام خود برای مقابله با مستکبران و ستم‌کاران جهان به پا خیزند. با نگاهی به تاریخ شیعه می توانیم به عمق باور مردم به موضوع ظهور و آمادگی همیشگی آنها برای این موضوع پی ببریم. ابن بطوطه در سفرنامه خود می نویسد: «ندبه شیعیان حِلّه برای امام زمان: ... در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن، پرده حریری آویزان است و آنجا را «مسجد صاحب‌الزمان» می خوانند. شب‌ها پیش از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته ... اسبی یا استری زین کرده می گیرند و به سوی مسجد صاحب‌الزمان روانه می شوند. پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق زده می شود. سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می کنند و چون به مسجد صاحب الزمان می رسند، در برابر در ایستاده و آواز می دهند که: «بسم الله، ای صاحب الزمان، بسم الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فراگرفته و ستم فراوان گشته. وقت آن است که برآیی تا خدا به وسیله تو، حق را از باطل جدا گرداند...». و به همین ترتیب، به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه می دهند تا نماز مغرب فرا رسد...». (ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۲۷۲). بنابراین، با توجه به روایات، سخنان فقها و سیره پیروان اهل بیت(ع) در زمان های مختلف، به روشنی می توان دریافت که زمینه سازی برای ظهور و آماده باش همیشگی برای این رویداد بزرگ از وظایف شیعیان است.

به نظر شما انقلاب اسلامی چه تأثیری بر فرهنگ مهدویت و انتظار در ایران داشته و موجب چه تحولی در این فرهنگ شده است؟

به مدد اندیشه ژرف و افکار بلند رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) فرهنگ مهدویت و انتظار که تا پیش از آن زمان هم‌معنا با سکون و سکوت، پذیرفتن وضع موجود و بی‌تفاوتی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی بود، به عنوان فرهنگی پویا و حرکت‌آفرین و پشتوانه نظری مستحکم برای تشکیل حکومت صالحان در عصر غیبت مطرح شد.

در این مجال، فرصت بررسی تفصیلی نقش انقلاب اسلامی در تحول و پویایی فرهنگ مهدویت و انتظار نیست و تنها به مقایسه اجمالی شاخصه‌های رویکرد مهدوی در پیش و پس از انقلاب اسلامی بسنده می‌کنیم.

شاخصه‌های رویکرد مهدوی در دوران پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران کاملاً با یکدیگر متفاوت است. تا پیش از اوج‌گیری نهضت امام خمینی(ره) شاخصه‌های رویکرد مهدوی غالب عبارت بودند از:

یک. توجه به امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تنها به عنوان منجی موعود که در آینده‌ای نامشخص می‌آید و به همه دردها، پایان می دهد؛

دو. تمرکز نگاه بر «عصر ظهور» بدون داشتن هیچ چشم‌انداز روشنی برای اصلاح امور.

سه. خلاصه شدن «وظایف منتظران» در دعا برای تعجیل فرج.

چهار. تأکید صرف بر «ولایت‌ورزی» (تولّی) و بی‌توجهی به «برائت‌جویی» (تبرّی).

حضرت امام خمینی(ره) با طرح دیدگاه‌ها و نظرات بدیع خود، شاخصه‌های رویکرد مهدوی را دستخوش دگرگونی اساسی ساخت. مطالعه آثار و سخنان امام (ره) نشان می‌دهد که در دیدگاه ایشان مهم‌ترین شاخصه‌های رویکرد مهدوی عبارتند از:

یک. توجه به امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به عنوان آخرین «حجت خدا» و امام حی و حاضری که نسبت به حال مسلمانان نیز بی‌تفاوت نیست؛

دو. از نظر دور نداشتن «عصر غیبت» و تلاش برای اصلاح وضع موجود با هدف زمینه سازی؛

سه. توسعه وظایف منتظران و منحصر نشدن این وظایف به دعا و درخواست ملاقات؛

چهار. توجه به «برائت‌جویی» به عنوان مقدمه و شرط «ولایت‌ورزی» واقعی.

با مقایسه این شاخصه ها به خوبی می توان به عمق و گستره تحولی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در باور مهدوی و فرهنگ انتظار ایجاد شد، پی برد. توجه به سخنان و رهنمودهای امام خمینی(ره) در سال های قبل و بعد از پیروزی انقلاب درباره مفهوم انتظار، وظایف منتظران و نسبت جامعه اسلامی عصر غیبت با جامعه عصر ظهور، که در پاسخ پرسش قبلی به برخی از آنها اشاره کردم، به خوبی ما را با شاخصه های مهدویت و انتظار در قرائت آن رهبر فرزانه آشنا می کند.

حجت‌الاسلام رحیم کارگر استاد مرکز تخصصی مهدویت

انقلاب اسلامی ایران و زمینه سازی ظهور

از دیدگاه امام خمینی (ره)

یکی از انگاره‌هایی که درباره انقلاب جهانی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مطرح است، زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی سیاسی برای آن است. در این راستا امام خمینی رحمه‌الله یك ایده و نظریه کاملی ارائه داده‌اند که در یك عبارت می‌توان آن را چنین بیان کرد: **«با تمام امکانات پیش به سوی انقلاب مهدوی»**. بر اساس این رویکرد، منتظران و شیعیان واقعی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، نقش و مسئولیت مهم سیاسی ـ اجتماعی در ظهور و شکل‌گیری حکومت جهان گستر مهدوی دارند و به همین جهت باید با تمام توان و امکانات در بسترسازی و مقدمه چینی آن بکوشند.

زمینه‌سازی؛ آماده کردن خود و جامعه و فراهم ساختن لوازم، عوامل و شرایط یك خیزش عمومی و جهانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه فاضله اسلامی به رهبری مصلح کل و منجی موعود حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که مستلزم کار سیاسی قوی و فراگیر است و انقلاب اسلامی ایران، می‌تواند طلیعه‌ی مبارکی برای این امر باشد.

امام خمینی رحمه الله می‌فرمود:

«انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام، به پرچمداری حضرت حجت ـ ارواحنا فداه ـ است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد» (امام خمینی، صحیفه نور، ج۲۱، ص۳۲۷). و «امیدوارم که این انقلاب، یك انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیة الله ـ ارواحنا له الفداء ـ باشد» (همان: ج۱۶، ص۱۳۱).

احادیث فراوانی، چون روایت امام علی علیه‌السلام (ثم تخرج رایة من خراسان یهزمون اصحاب السفیانی حتی ینزل بیت‌المقدس توطّیء للمهدی سلطانه) (کورانی، ۱۳۷۹: ص۲۳۲)، به روشنی وظیفه زمینه سازان را برای شکل‌گیری حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بیان می‌کند و معنای صحیح انتظار را آشکار می‌سازد. امام خمینی رحمه‌الله در این باره می‌گوید:

«ما همه انتظار فرج داریم... انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود» (همان: ص۲۵۵)

راه‌کارها و شرایط و زمینه‌سازی سیاسی برای شکل‌گیری حکومت جهانی عبارت است از:

ایجاد تحول جهانی

یکی از بسترهای مناسب برای رسیدن به جامعه موعود، ایجاد دگرگونی‌ها و تحوّلات فکری، اعتقادی و ایمانی در همه مردم جهان است. در این رابطه امام خمینی می‌فرماید:

امید است وعده الهی «اراده منت بر مستضعفان»، به زودی تحقق یابد و دست قدرتمند حق تعالی هرچه سریع‌تر از آستین ملت‌های مظلوم بیرون آید و تحول الهی‌ای که در ملت ایران به وجود آمده است، در همه ملل و نحل، به خواست خداوند تعالی تحقق یابد که دست ستمکاران از جنایت نسبت به مستضعفان جهان کوتاه شود و مظلومان به حقوق از دست رفته خود دست یابند (امام خمینی، همان: ج۱۷، ص۳۱۸)

این تحول و دگرگونی جهانی، جرقه و بارقه‌ای الهی است که از انقلاب اسلامی ایران ناشی شده است:

«امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارك حضرت بقیة الله ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ منتهی شود» (همان: ج۱۵، ص۶۲).

تشکیل دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل

طرح تشکیل دولت اسلامی با حضور همه کشورهای مسلمان، امری مهم و تأثیرگذار است؛ چنان‌که امام خمینی قدس سره می فرماید:

شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان! به پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمّال سرسپرده آنان نترسید و حکّام جنایتکار را ـ که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند ـ از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمت‌گزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یك دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل به پیش بروید که با تحقق آن، همهٔ مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند، به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است»

(همان: ج۲۱، ص۴۴۸)

براساس این مدل و الگو، تلاش جهت جمع بین دولت‌های اسلامی و دولت بزرگ اسلامی، زمینه‌ای برای رسیدن به حاکمیت مستضعفان و صالحان بر روی زمین است. دولت بزرگ اسلامی .که نماینده اقتداری واحد است .در جهان اسلام تشکیل می‌شود و جمهوری‌های آزاد و مستقل، زیر پرچم اسلام و اقتداری واحد شکل می‌گیرند. این رویکرد منجر به تحقق وعده الهی مبنی بر وراثت صالحان و مستضعفان می‌شود.

حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران

یکی از ابعاد مهم زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت جهانی مهدوی، محافظت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و تلاش در جهت تداوم آن تا عصر ظهور است. امام خمینی قدس سره در این باره می‌گوید:

من با تأیید خداوند متعال و تمسك به مکتب پر افتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام، مژده پیروزی نهایی می‌دهم؛ به شرط اینکه نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند اسلام، ناگسستنی باشد؛ و به شرط آگاهی از حیله‌های استعمارگران راست و چپ و جنود ابلیسی آنان... (همان: ج۲، ص۱۱۲)

من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا اینجا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا اینجا رسانده است، باقی باشد. این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی .ان شاء الله .بیاید و ما، شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم (همان: ج۱۵، ص۲۳۰)

خیزش و یکپارچگی مسلمانان و مستضعفان

وحدت، یکپارچگی و خیزش جوامع اسلامی و ملّت‌های مستضعف می‌تواند، یکی از زمینه‌ها و مقدمات مناسبی برای شکل‌گیری انقلاب جهانی باشد.

استراتژی «وحدت امت اسلامی» و «نزدیکی جوامع ستمدیده و مستضعف» از ایده‌های بنیادین امام خمینی(ره) است که هم باعث تقویت و توانمند شدن آنان می‌گردد و هم زمینه ساز و مقدمه‌ای برای انقلاب جهانی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.

صدور انقلاب اسلامی

تبیین، ترویج و تبلیغ ارزش‌های برآمده از انقلاب اسلامی ایران و در واقع صدور آن به همه جای عالم تنها به منزله تثبیت و طرح ارزش‌های انقلابی نیست؛ بلکه ایجاد زمینه و بستری مناسب و جهانی برای شکل‌گیری انقلاب مهدوی است. امام خمینی قدس سره در این باره می‌گوید:

« امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارك حضرت بقیة‌الله ارواحنا لمقدمه الفداء .منتهی شود» (همان: ج۱۵، ص۶۲)

بالا بردن قدرت اسلام

یکی دیگر از زمینه‌های تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام بالا بردن قدرت اسلام و تلاش در جهت تحقق آموزه‌های متعالی آن در سراسر زمین و تثبیت حاکمیت اسلام است. از نظر امام خمینی رحمة‌الله‌علیه:

«انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود» (همان: ج۸، ص۳۷۴).

جهاد و ایثارگری

رسیدن به جامعه آرمانی و موعود، نیاز به کوشش، جهاد و مبارزه فرهنگی، سیاسی، نظامی و... دارد و همه آن‌ها باید از سوی باورداران به منجی موعود و زمینه‌سازان انقلاب جهانی صورت گیرد:

«اگر توقع دارید که در یك شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود، یك اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر، چنین معجزه ای روی نداده است و نخواهد داد و آن روزی که .ان شاء الله تعالی .مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یك معجزه شود و یك روزه عالم اصلاح شود؛ بلکه با کوشش‌ها و فداکاری‌ها، ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند...»
(همان: ج۲۱، ص۴۴۷).

در این راستا امام خمینی قدس سره امت مسلمان ایران را به جهت جهاد، ایثارگری و فداکاریشان، زمینه سازان ظهور معرفی می‌کند:

«سلام بر امت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می‌کنند...» (همان: ص۳۲۵)

قیام مستضعفان و بی بهرگان از قدرت

یکی از زمینه‌های مهم تشکیل حکومت جهانی مهدوی، قیام و خیزش عمومی مستضعفان، مظلومان و ستمدیدگان است که امام خمینی با فریادی رسا، آنان را به این امر دعوت می‌فرمود: «ای مستضعفان جهان! برخیزید و هم پیمان شوید و ستمگران را از صحنه برانید که زمین از خداست و وارث آن مستضعفانند» (همان: ج۱۱، ص۳۷۶)

تشکیل حزب فراگیر مستضعفان

برای انسجام در صفوف نهضت‌های رهایی‌بخش جهانی و مقابله با استکبار و بیدادگری، باید حزب فراگیر مستضعفان و صالحان شکل بگیرد تا همه نیروها ید واحده‌ای شده و در برابر دشمنان قرار بگیرند. از نظر امام خمینی قدس سره:

«من امیدوارم که یك حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است، از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند و ندای اسلام را و وعده اسلام را .که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است و وراثت ارض برای مستضعفین است .محقق کنند. تاکنون مستضعفین متفرق بودند و با تفرقه کاری انجام نمی‌گیرد. اکنون که نمونه‌ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد، این نمونه باید به یك سطح وسیع تری، در تمام قشرهای انسان‌های تاریخ، تحقق پیدا کند به اسم «حزب مستضعفین» که همان «حزب الله» است و موافق اراده خدای تبارك و تعالی است که مستضعفین وارث ارض باید بشوند...»

(همان: ج۹، ص۲۸۰ و ۲۸۱)

نتیجه >>>

رسیدن به «جامعه موعود الهی» و شکل‌گیری انقلاب جهانی مهدوی، مبتنی بر یك سری عوامل، شرایط و زمینه‌ها است که باید آن‌ها را هم در جامعه جست و جو کرد، هم در درون افراد. بر این اساس هم نیاز به آگاهی‌بخشی و آماده‌سازی درونی افراد است و هم فراهم‌سازی مقدمات و امکانات و اسباب ظاهری و مادی و هم شکل‌گیری اراده‌ها و تلاش‌های بیرونی افراد:

تغییرات درونی > مقدمات و اسباب ظاهری > تلاش ها و اراده های بشری > انقلاب جهانی

البته این نظام اثرگذار، تحت برنامه کلی و مشیت قاهر الهی و یك جامعه مطلوب نهایی قرار دارد.

اراده الهی > رهبری تغییرات > آماده سازی انسانها > حرکت جمعی > انقلاب جهانی مهدوی

اگر «زمینه‌ها و مقدّمات» یاد شده را از منظر سیاسی .اجتماعی، مورد بازکاوی قرار دهیم، به پدیده بنیادین و فراگیری برمی‌خوریم که تحت عنوان «انقلاب» مطرح است؛ یعنی، یکی از شکل‌های مهم تغییرات و دگرگونی‌های سیاسی .اجتماعی، «انقلاب» است و بر اساس «تئوری‌های مربوطه»، لازمه شکل‌گیری هر انقلابی، یك سری عوامل، مقدمات و زمینه‌ها است که عموماً به دست انقلابیون صورت می‌گیرد. انقلاب جهانی مهدوی نیز یك قیام و خیزش فراگیر و عمومی است که می‌تواند در برگیرنده بسیاری از افراد، گروه‌ها و نهادها باشد؛ یعنی همه این‌ها در شکل‌گیری و موفّقیت انقلاب تلاش بکنند و همه امکانات، ابزار و اسباب را در خدمت آن قرار دهند. در واقع وقتی از شرایط و مقدمات انقلاب جهانی مهدوی صحبت می‌کنیم، از چندین مؤلفه بحث می‌کنیم (رهبری، برنامه جامع، گروه‌های انقلابی و مردم).

«انقلاب جهانی امام مهدی»، بر اساس یك سری عوامل و مقدماتی شکل می‌گیرد که بخشی از آن تحت مشیت و اراده قاهر الهی و براساس رویکردهای غیبی و امدادهای فوق بشری صورت بگیرد و بخشی از آن نیز مربوط به جامعه بشری و نقش مؤثر و فعال انسان‌ها .به خصوص گروه‌های حق طلب .است. امید آنکه بتوانیم به وظایف و مسئولیت‌های خود در رابطه با زمینه سازی این انقلاب شکوهمند عامل باشیم.

السلام علی الحق الجدید

سلام بر حقیقتی که عالم را نو خواهد کرد

حقانیت تشکیل حکومت اسلامی پیش از ظهور

چگونه می توان انقلاب اسلامی ایران را زمینه ساز انقلاب حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دانست در حالی که تصویری که در بسیاری از روایات از جهان پیش از مهدی موعود علیه‌السلام ترسیم شده است جهانی تیره و تار است، چنانکه در برخی روایات اسلامی از پر شدن جهان از ظلم و ستم پیش از ظهور حضرت سخن به میان آمده است، از جمله در روایتی از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است:«پدرم از پدرش و او از پدرانش برای من نقل کردند که رسول خدا ـ درود و سلام خدا بر او باد ـ فرمودند: امامان پس از من دوازده نفر به تعداد نقبای بنی اسرائیل هستند، نُه نفر از آنها از نسل حسین ـ درود خدا بر او باد ـ هستند و نهمین آنها قائم ایشان است. او در آخرالزمان به پا می خیزد و زمین را از عدل پر می سازد، پس از آنکه از ستم و بی عدالتی پر شده باشد»

(بحارالأنوار، ج۳۶، ص۳۵۹، ح۲۲۸)

مفاد برخی روایات نیز، هرگونه قیام و حرکتی در عصر انتظار را نفی کرده و بطلان یا نافرجامی آن را گوشزد می کند.

به عنوان نمونه در روایتی آمده است که امام صادق علیه‌السلام به ابوبصیر فرمود:« هر پرچمی که قبل از قیام قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برافراشته شود صاحب آن طاغوت بوده، اطاعت او خروج از اطاعت خداست»(جمعی‌ازمؤلفین،۱۴۲۸ق،ج۳،۴۳۱)با وجود روایاتی از این دست است که بعضی تشکیل هر گونه حکومت اسلامی قبل از ظهور مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را برنمی تابند.

اما در مقام پاسخ به این افراد عرض می شود که اندکی تأمل درباره روایات فوق ما را به این نتیجه می رساندکه منظور از گسترش ظلم و ستم در دسته اول از روایات ،این نیست که همه جهان از فساد و تباهی پر شده باشد به گونه ای که در هیچ بخشی از جهان اثری از نور و روشنی دیده نشود؛ بلکه منظور این است که فساد و ظلم در جهان فراگیر و فراوان خواهد شد و این منافاتی با وجود حکومت اسلامی در بخشی از جهان و یا فریادهای حق طلبانه در بخش های دیگر جهان ندارد؛ درباره دسته دوم روایات نیز باید گفت این خوانش سلبی از ظاهر روایات که منشعب از فرهنگ اَخباری گری است، هر نوع اقدامی در جهت اصلاح اجتماعی و سیاسی را باطل قلمداد میکند و چله نشینی و سکوت را یگانه رسالت منتظران تعریف می کند؛ غافل از این که این قبیل روایات به قیام هایی ناظر است که به نام « مهدی» صورت می گیرد و انقلابیون مردم را به خود دعوت میکنند، نه هر نوع قیام و حرکت اصلاح گرایانه ای که در جهت احیای دین و اقامه توحید در سطح عام باشد. علاوه بر این که در زمان حضور ائمه، انقلاب هایی نظیر قیام مختار و زید به وقوع پیوست که گرچه اذن اولیه این انقلاب ها از جانب معصومین صادر نشده بود ولی مورد دعا و تأیید ضمنی اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفت همچنین این نوع برداشت از ظهور و انتظار مهدی علیه‌السلام که با بدفهمی از پاره ای روایات، به خویشتن داری در مقابل ظلم دعوت می کند، ناخواسته منجر به نوعی تعطیلی در حدود و قوانین شریعت و گسترش فساد به وسیله مفسدان در سطح جامعه می شود که با موازین اسلامی مطابقت ندارد.

در نتیجه در فضای ظلمت زده جهانی نیز امکان تشکیل حکومت اسلامی وجود دارد و اساساً با توجه به اعتقادات اسلامی لازم است به عنوان مسلمانِ تکلیف مدار در راه تحقق این تکلیف عظیم اسلامی یعنی تشکیل حکومت اسلامی اقدام نماییم ؛ ادّله دال بر وجوب تشکیل حکومت اسلامی و لزوم اجتناب از طاغوت همگی بر این مطلب تاکید می نمایند از جمله آیه ای که می فرماید:« وَلاَتَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ: در برابر ظالمین کرنش و اطاعت نکنید که در این صورت آتش جهنم شما را فراخواهد گرفت»(هود/ ۱۱۳) و یا روایاتی که از حاکم قرار دادن طاغوت ها منع می نمایند و بالاتر از همه، ادّله وجوب امر به معروف و نهی از منکر که طبق آن بالاترین معروف تشکیل حکومت به منظور زمینه سازی اجرای تمامی معروفها و ریشه کنی منکرات می باشد. لذا تشکیل حکومت اسلامی در دوران پیش از ظهور نه تنها مغایرتی با روایاتی که جهان پیش از ظهور را آکنده از ظلم می دانند، ندارد بلکه حتی ضرورت هم داشته و در صورت فراهم شدن شرایط تشکیل حکومت، لازم است دست به تشکیل حکومت اسلامی تا حدّ مقدور زد که در زمان حاضر نیز امام خمینی(ره) با مساعد دیدن شرایط برای قیام و تشکیل حکومت اسلامی و با حرام اعلام نمودن تقیه (صحیفه نور،۱۳۷۷ش، ج۱، ص۱۷۸)دست به قیام زد که سرانجام منجر به ایجاد حکومت اسلامی شد و هر چند **این حکومت اسلامی حکومت ایده آل و مطلوب صددرصد نیست**، امّا یقیناً حکومتی است که در مسیر تحقق حکومت ایده آل قدم برداشته است و این حکومت **حداقل، حکومت طاغوت نیست و مبنا و پایه آن براساس دین** بوده و در جهت و مسیر آن حرکت می کند.

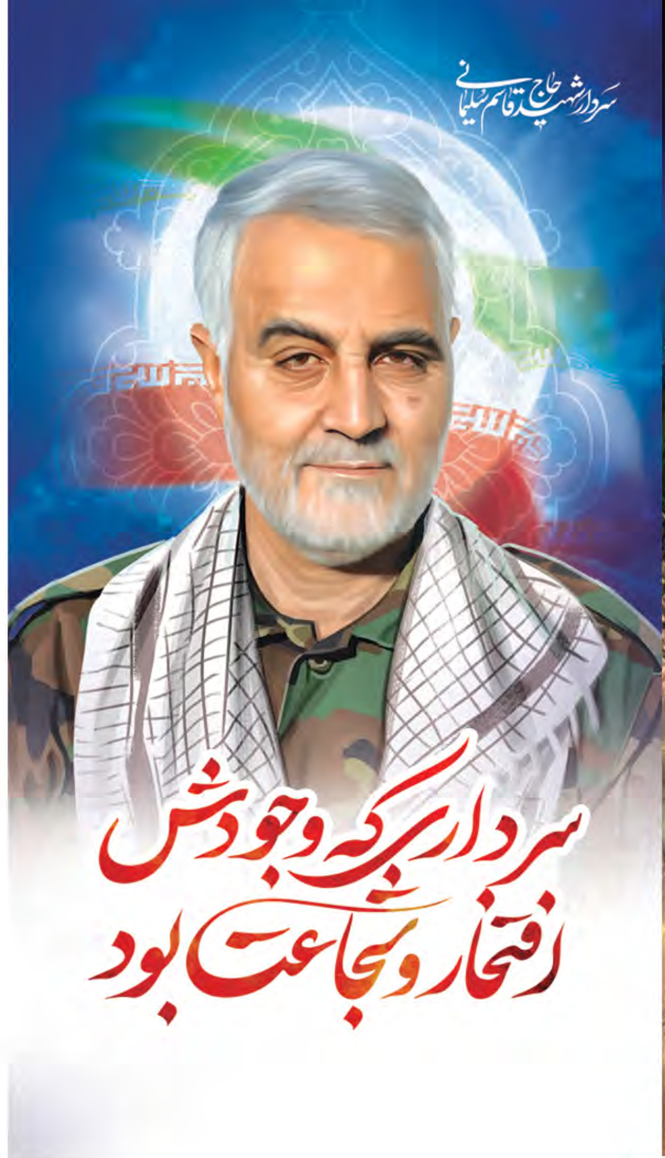

جمهوری اسلامی حرم است

گزیده دیدگاه سردار شهید قاسم سلیمانی

امروز قرارگاه حسین بن علی علیه‌السلام، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم ها می مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمّدی صلی‌الله‌علیه‌وآله

برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب میدانید منزّه ترین عالِم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاك ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به عنوان سنّی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه ی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی ماند؛ قرآن آسیب می بیند.

برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پر افتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولیّ فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه ای عزیز را عزیزِ جان خود بدانید. حرمت او را حرمتِ مقدسات بدانید.

جمهوری اسلامی، امروز سربلندترین دوره خود را طی می‌کند. بدانید مهم نیست که دشمن چه نگاهی به شما دارد. دشمن به پیامبر شما چه نگاهی داشت و [دشمنان] چگونه با پیامبر خدا و اولادش عمل کردند، چه اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان مطهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و شماتت آنها و فشار آنها، شما را دچار تفرقه نکند.

بدانید که می دانید مهمترین هنر خمینی عزیز این بود که اوّل اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده ای این کشور را میدرید؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را میکرد، اما هنر امام این بود که اسلام را به پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرّم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد. انقلاب هایی در انقلاب ایجاد کرد. به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاك ایران و اسلام نموده اند و بزرگترین قدرت های مادی را ذلیل خود نموده اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید.

شهدا، محور عزّت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه اینها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته اند. آنها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان گونه که هستند. فرزندانتان را با نام آنها و تصاویر آنها آشنا کنید. به فرزندان شهدا که یتیمان همه شما هستند، به چشم ادب و احترام بنگرید. به همسران و پدران و مادران آنان احترام کنید،

وصیت می کنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدّسات و ولایت فقیه مطرح میشود، این ها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید

با اسکن کد بالا می‌توانید محتوای چندرسانه‌ای این مقاله را ببینید.

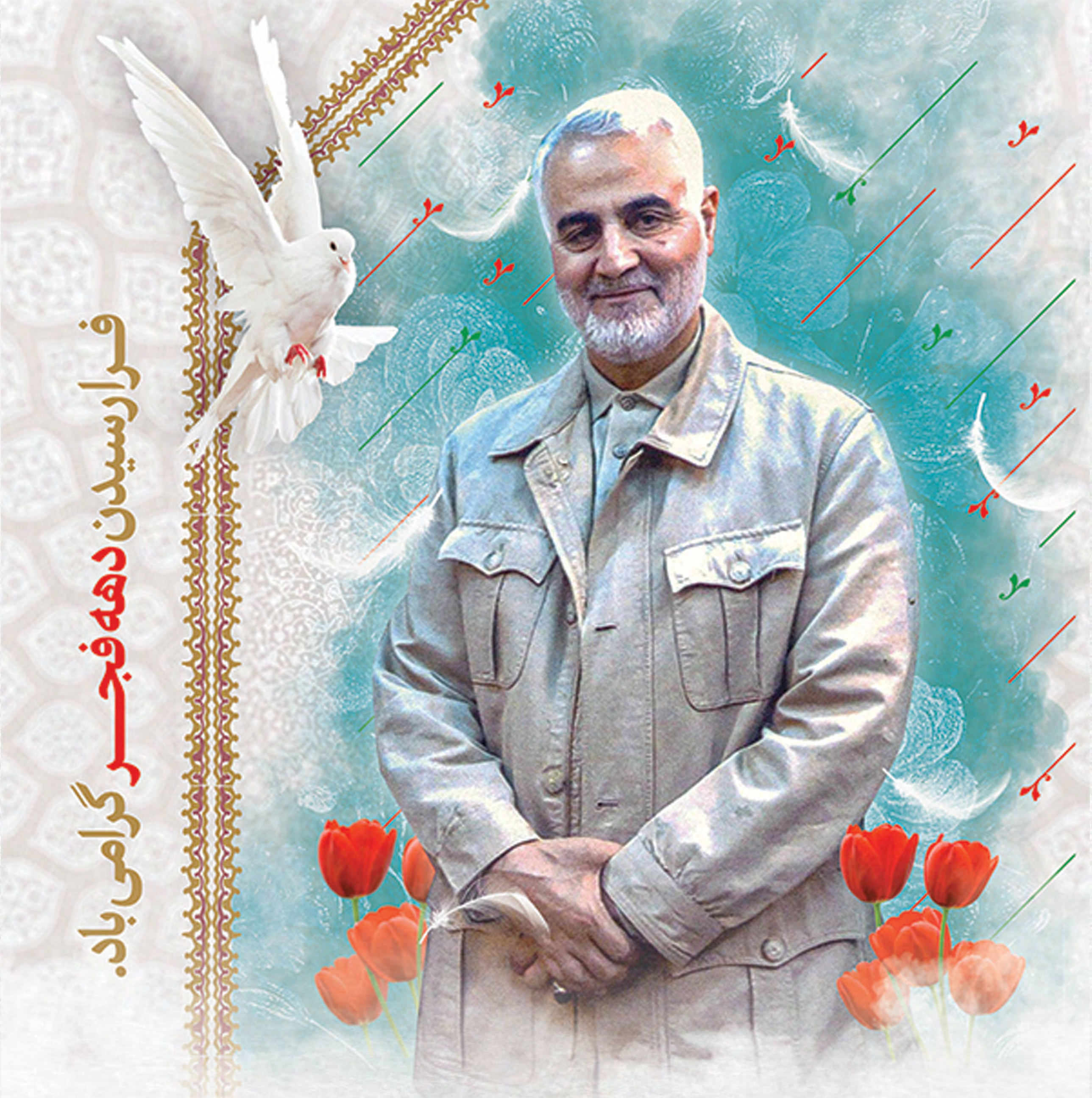

فرارسیدن دهه فجر گرامی باد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)